

## نفوذ چین در آفریقا

مهدی قویدل\*

### مقدمه

سابقه تاریخ روابط چین و آفریقا به بیش از نیم قرن برمی‌گردد. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم، روابط جمهوری خلق چین با کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای آفریقایی در چارچوب ایجاد پل‌های همبستگی ایدئولوژیک برای تقویت کمونیسم چینی و همچنین مقابله با استعمار غرب تعریف می‌شد. اسامی «مائو تسه دونگ»، «چوئن لای» و «لیو شائوچی» اسامی امیددهنده در بین مقامات کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای و آفریقایی بود. در دهه ۶۰ و در فضای جنگ سرد، چین به بسیاری از جنبش‌های سیاسی دارای جهت‌گیری‌های چپ کمک کرد. این سیاست چین در چارچوب صدور «مائوتیسم» صورت می‌گرفت. سپس روابط دو طرف رو به سردی گرایید که از اواسط دهه ۷۰ تا اواخر قرن بیستم نمود داشت. در اواخر دهه ۹۰، روابط چین با کشورهای آفریقایی به ویژه بعد از آغاز به کار مجمع همکاری چین و آفریقا که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، بار دیگر عادی گردید. این مجمع سازوکار مؤثری برای گفت‌وگو بین چین و کشورهای آفریقایی به وجود آورد. بعد از جنگ سرد، رویکرد چین به قاره آفریقا از جهت‌گیری ایدئولوژیک دهه‌های ۶۰ و ۷۰ فاصله گرفت و وارد مرحله روابط با ابعاد مصلحت‌گرایی مثل تجارت، سرمایه‌گذاری و

\* کارشناس مسائل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا

انرژی شد. در سال‌های گذشته، چین به قاره آفریقا به عنوان منطقه‌ای با اهمیت اقتصادی و استراتژیک نگریسته است.

ماهیت اقتصاد در آفریقا امری پیچیده و معطوف به مداخله قدرت‌های بزرگ، منازعات بین کشوری و بحران‌های داخلی است. اقتصاد آفریقا در درجه اول، تک محصولی است. کشورهای آفریقایی برای تأمین ارز مورد نیاز خود، به تولید محصول کشاورزی و یا معدنی وابسته‌اند و اخیراً برخی کشورها به ارزهای ناشی از صدور نفت چشم دوخته‌اند. در این شرایط، توسعه امری دشوار به نظر می‌رسد. این نوع اقتصاد فاقد فناوری، نیروی انسانی و سرمایه برای شکوفا شدن اقتصاد و در نتیجه توسعه است. کشورهای آفریقایی بر روی قیمت کالاها و بازارهایی که کالاهای آنها در آن جا فروخته می‌شود، کنترلی ندارند؛ بنابراین درآمدهای ارزی آنها براساس الگوهای مصرف و سیاست اقتصادی که به آن وابسته هستند، کم و زیاد می‌شود. ویژگی دیگر اقتصاد آفریقا را می‌توان در وابستگی و برون‌گرا بودن آن جست و جو کرد، ولی این برون‌گرایی در جهت تأمین نیازهای داخلی نیست، زیرا آنها تولیداتی دارند که در داخل قابل مصرف نیست و نیازهایی دارند که در داخل تولید نمی‌شود. این نوع اقتصاد، بر اثر سیاست‌های استعماری ایجاد گردیده است. اکثر کشورهای آفریقایی پس از کسب استقلال برای تفکیک سیاست خارجی خود، از سیاست کشورهای سرمایه‌داری و بلوک شرق به جنبش عدم تعهد پیوستند. اما در عمل، وضع این چنین نبود. نمونه‌های نیجریه، آفریقایی جنوبی و تانزانیا نشان داد که بین بیانیه‌های سیاست خارجی و اقدامات عملی کشورهای آفریقایی تضاد ماهوی وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

این مقاله با توجه به این دو فرضیه که سیاست و اقتصاد در آفریقا با هم گره خورده است و نقش قدرت‌های بزرگ در توسعه آفریقا غیرقابل انکار است، قصد دارد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که زمینه‌های نفوذ چین در قاره آفریقا غیر قابل انکار است، قصد دارد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که زمینه‌های نفوذ چین در قاره آفریقا در دهه اخیر چیست و این کشور در قاره سیاه چه اهدافی را دنبال می‌کند. برای روشن شدن بحث و نتیجه مطلوب گرفتن از آن، باید سیاست قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و فرانسه را در خصوص آفریقا بررسی کنیم. فرضیه‌ای که این مقاله قصد دارد به آزمون بگذارد، این است که چین در راستای راهبرد کلان خود، برای تحقق توسعه اقتصادی و تبدیل شدن به قدرت بزرگ، به آفریقا از یک سو، به عنوان یک بازار بکر اقتصادی و از سوی دیگر، منطقه نفوذ سیاسی برای بالا بردن ظرفیت چانه‌زنی در سیاست بین‌الملل نگاه می‌کند. کشورهای آفریقایی ناراضی از الگوی نفوذ فرانسه در این قاره، در سال‌های اخیر الگوی همکاری به ویژه در بُعد اقتصادی را با چین ترجیح داده‌اند. کشورهای آفریقایی که از استعمار فرانسه خاطره خوشی ندارند، در رفتار سیاست خارجی جمهوری خلق چین با آن الگوی اقتصاد بازار چینی، نوعی صداقت و رعایت اخلاق در رفتار بین‌المللی می‌بینند.

### قدرت‌های بزرگ و سیاست نفوذ (بحث تئوریک)

بعد از جنگ سرد، آفریقا به عنوان بخشی از نظام بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردار شد. اهمیت این قاره را می‌توان به ابعاد اقتصادی و استراتژیک بررسی کرد. اگر ساختار نظام بین‌الملل معاصر را چند قطبی با محوریت ابرقدرت آمریکا فرض کنیم،

قدرت‌های بزرگ در قالب دو الگوی همکاری و تعارض با واحدهای سیاسی هر سیستم تابع در نظام بین‌الملل و در این جا با سیستم تابع آفریقا رابطه برقرار می‌کنند. قدرت، متغیر اصلی در روابط بین دولت‌هاست. این مقاله به مفهوم قدرت به عنوان یک روند تعاملی (چگونه دولت‌ها بر رفتار کشورهای دیگر نفوذ می‌کنند) نگاه می‌کند. «نفوذ» شکلی از قدرت و شایع‌ترین نوع آن است. «کی‌جی‌هالستی» شش فن مختلف را که می‌توان به مثابه نردبان اعمال نفوذ تلقی کرد، معرفی کرده است؛<sup>(۳)</sup>

الف. استفاده از زور؛

ب. اعمال مجازات‌های غیر خشونت‌آمیز؛

ج. تهدید به مجازات (چماق)؛

د. پیشنهاد پاداش؛

ه. اعطای پاداش؛

و. ترغیب.

در الگوی خاص تعامل چین با کشورهای آفریقایی به ویژه بعد از جنگ سرد، دو مورد آخر یعنی اعطای پاداش و ترغیب بیشتر تجلی دارد. در این جا ترغیب به معنی انتظار رفتار مطلوب از دیگران بدون استفاده از تهدید و یا وعده است. موفقیت سیاست ترغیب بستگی به این دارد که دولتی به دولت دیگر ثابت کند که در پیش گرفتن فلان رفتار به نفع او است. سیاست بین‌الملل صرفاً در بازی حاصل جمع جبری خلاصه نمی‌شود که برد یکی معادل باخت دیگری باشد. بلکه در مواقعی هر دو طرف بازی منتفع می‌شوند و ترغیب به معنی روشن کردن این اصل به طرف مقابل است. برای مؤثر واقع شدن

سیاست ترغیب، کشور نفوذگذار می‌تواند پیشنهاد پاداش را مطرح کند؛ بنابراین توانمندی‌های یک کشور از لحاظ نفوذگذاری به دو دلیل زیر اهمیت دارد: نخست، برای این که تهدید یا وعده‌ای از لحاظ نفوذگذاری مفید باشد باید معتبر باشد و برای اینکه معتبر باشد، باید طرف مقابل متقاعد گردد که تهدید یا وعده از پشتوانه عملی برخوردار است. در جریان مذاکرات صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹، آمریکا به شرط امضای قرارداد صلح معتبر، به مصر وعده کمک‌های اقتصادی و به اسرائیل وعده نفت داد. این وعده‌ها معتبر بودند؛ زیرا آمریکا از ثروت و نفت کافی برای تحقق وعده‌های خود برخوردار بود. فرانسه در وعده‌های خود به آفریقا در کمک به ثبات و توسعه اقتصادی ناتوان بود؛ از این رو جای خود را به چین داده است. دوم، اگر تهدید یا وعده‌ای کارکرد نداشته باشد، دولت‌ها متوسل به اعمال مجازات (سیاسی، اقتصادی و نظامی) می‌شوند. در ایجاد دولت نفوذگذار باید توانایی لازم برای تحمیل هزینه مجازات را داشته باشد. حسن شهرت دولت نفوذگذار، عامل مهم در این اعمال مجازات است؛ زیرا نوعی اشاره ضمنی برای اعمال مجازات است.<sup>(۳)</sup> اقدام چین در ارائه الگوی اقتصادی برای کشورهای آفریقایی (از جمله کمک‌های بلاعوض و لغو بدهی‌ها) و درخواست این کشور از آفریقایی‌ها برای عدم شناسایی تایوان که پکن آن را استان شورشی خود می‌داند، می‌تواند به عنوان سیاست پاداش و ترغیب تعریف شود.

درجه نیازهای دو کشور به یکدیگر در هر رابطه نفوذگذاری از متغیرهای مهم در موفقیت یا شکست نفوذ است. به هر میزان نیاز بیشتر باشد، درجه آسیب‌پذیری نیز بیشتر خواهد بود. مفهوم تأثیرپذیری که کارل دویچ ارائه داد، از متغیرهای دیگر و مهم است.

تأثیرپذیری را می‌توان به مثابه تمایل به قبول درخواست دولتی با نظر مساعد دانست. بررسی روابط چین با کشورهای در حال توسعه آفریقایی نشان می‌دهد که کشورهای آفریقایی با شناختی که از استعمارگری در رفتار سیاست خارجی چین دارند و نتیجه تلفیق ماهرانه سوسیالیسم و سرمایه‌داری چینی را از نزدیک دیده‌اند، نوعی اعتماد را به سیاست خارجی چین به ویژه در بُعد اقتصاد سیاسی بین‌الملل به نمایش گذاشته‌اند که در نوع خود بی‌نظیر است. نگرانی قدرت‌های دیگر و در رأس آنها آمریکا و فرانسه از نفوذ چین در آفریقا، نشان می‌دهد که اهمیت استراتژیک این منطقه روز به روز بیشتر شده و نوعی تعارض در منافع قدرت‌های بزرگ به خاطر توسعه مناطق نفوذ به ویژه در آفریقا به وجود آید. سیاست آمریکا در قبال آفریقا به ویژه بعد از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که آمریکا در پی اعمال فشار بر برخی کشورهای آفریقایی مثل جیبوتی و الجزایر برای مبارزه با تروریسم و همچنین استفاده از منابع نفتی برخی دیگر از کشورهای نفتی این قاره است. فرانسه هم گرچه در بُعد اقتصادی در آفریقا ضعیف ظاهر شده، ولی برای حفظ حوزه نفوذ و جای پای خود در این حیات خلوت قدیمی، در منازعات و بحران‌هایی چون چاد و آفریقای مرکزی حضور فعال دارد.

### آفریقا، منطقه نفوذ قدرت‌های بزرگ (فرانسه یا آمریکا)

الف. فرانسه و آفریقا

فرانسه به خاطر چهار علت زیر از حیات خلوت خود فاصله گرفته است<sup>(۴)</sup>: نخست،

اشتباه مربوط به سیاست مهاجرت فرانسه که از سال ۱۹۹۳ اعمال می‌شود. قانون موسوم

به «پاسکوا» باعث شد که آفریقایی‌ها فکر کنند، آنها هدف اصلی هستند. بر این اساس، دانشجویان آفریقایی مایل به تحصیل در دانشگاه‌های فرانسه باید سندی را امضا می‌کردند که به محض پایان تحصیلات به کشورشان برگردند. از زمان تصدی وزارت کشور توسط نیکولا سارکوزی، قوانین سخت‌گیرانه در برابر آفریقایی‌ها زیاد شده است. روزنامه لوموند دیپلماتیک نوشت، بسیاری از جوانان کشورهای فرانکوفونی ترجیح دادند، به کانادا و آمریکا سفر کنند که ۳۵ درصد از روادید خود را به خارجی‌های آفریقایی تبار اختصاص می‌دهند. علت دوم، حمایت فرانسه از رژیم‌های حاکم فرانسه و اولویت قائل شدن برای ثبات در کنار نادیده گرفتن دموکراسی بود. به رغم سر و صدایی که مقامات فرانسه در حمایت از ارزش‌های انسانی و احترام به حقوق بشر داشتند، ولی آنها از دوستان خود در آفریقا حمایت کردند، حتی از آنها دیکتاتور باشند. حمایت مطلق فرانسه از ابقای رژیم‌های سیاسی باعث شد دوستان فرانسه به دیکتاتور تبدیل شوند. این وضعیت فقط در سنگال و مالی دیده نشد. این باعث شد در موریتانی، حکومت معاویه ولد طایع و در مالی نیز رژیم احمدو توری با کودتا سرنگون شوند.

علت سوم، تصمیم فرانسه در اواسط دهه ۹۰ در کاهش نیمی از کمک‌های خود به آفریقا بود. فرانسه ارسال این کمک‌ها را به امضای موافقتنامه‌های دوجانبه با صندوق بین‌المللی پول و اجرای برنامه اصلاحات ساختاری صندوق منوط کرده بود. ارزش کمک‌های فرانسه از ۳/۱ میلیارد یورو در سال ۱۹۹۴ به ۱/۴ میلیارد یورو در ۲۰۰۱ کاهش پیدا کرد. بر این اساس، وزارت تعاون که مسؤول روابط فرانسه با کشورهای آفریقایی بود، در وزارت امور خارجه ادغام شد. لوموند دیپلماتیک در توضیح علت چهارم دوری فرانسه از

آفریقا نوشت، فرانسه در سیاست خود در ادامه استفاده از منابع طبیعی کشورهای آفریقایی به ویژه نفت گابن، کنگو، کامرون، چاد و چوب گابن و کامرون بدون کمک به توسعه اقتصادی این کشورها و بالا بردن سطح زندگی مردم آن جا، دچار اشتباه شد؛ به طوری که آفریقایی‌ها فرانسه را به استعمار نو متهم کردند و همکاری با آمریکا و چین یا کشورهای همجوار را در چارچوب اتحادیه آفریقا ترجیح دادند.

ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، براساس شراکت جدید سعی کرد که کشورش را در آفریقا نگه دارد. عدم مداخله و در عین حال بی تفاوتی، دو اصل این شراکت است. بر این اساس، فرانسه در هنگام ضرورت در آفریقا حاضر خواهد بود. ساحل عاج، چاد و کنگو از موارد جدید این نوع مشارکت و مداخله است. بر این اساس، فرانسه با موافقت سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای و کشورهای آفریقایی در بحران‌ها این قاره مداخله می‌کند. البته نباید فراموش کرد که شدت بحران‌ها و درخواست مقامات و سازمان‌های آفریقایی تنها باعث مداخله فرانسه در آفریقا شده است، بلکه برای مثال، در چاد، وزیر دفاع فرانسه، آوریل گذشته در پارلمان فرانسه گفت، موقعیت ممتاز چاد و همچنین افزایش نفوذ آمریکا و چین در چاد و سودان باعث مداخله پاریس در این کشور شد. نیکولا سارکوزی، وزیر کشور و نامزد حزب حاکم اتحاد برای جنبش مردمی، برای انتخابات ریاست جمهوری ماه آینده بیستم و نهم فوریه گذشته، خواستار تقویت همکاری فرانسه و اتحادیه آفریقا برای اثبات و امنیت در این قاره شد. سارکوزی که طبق پیش‌بینی‌ها در انتخابات پیروز خواهد شد، گفت، ارتش فرانسه در چارچوب سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا برای امنیت آفریقا اقدام خواهد کرد. وی با تقبیح سکوت فرانسه در برابر کشتار ۲۰۰ هزار نفر در



دارفور سودان، تلویحاً از سیاست خارجی شیراک در قبال آفریقا که براساس ملاحظات شخصی بود انتقاد کرد. فرانسه در آفریقا حدود ۱۰ هزار سرباز دارد. پایگاه‌های نظامی فرانسه در داکار (سنگال)، لیروویل (گابن)، ابیجان (ساحل عاج)، انجانا (چاد) و جیبوتی قرار دارد. اکنون، فرانسه ۳۵۰۰ سرباز در ساحل عاج زیر نظر اتحادیه آفریقا دارد.<sup>(۵)</sup>

### ب. آمریکا و آفریقا

«زمان آن فرا رسیده است که آمریکایی‌ها؛ آفریقایی جدید را در اولویت‌های خود قرار دهند». این گفته از نکات مهم سخنان بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا، بعد از دیدار وی از چند کشور آفریقایی در مارس و آوریل ۱۹۹۸ بود.<sup>(۶)</sup> بعد از وی، مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه‌اش، در اکتبر ۱۹۹۹ از چند کشور آفریقایی دیدن کرد و به این ترتیب، نگاه استراتژیک آمریکا به آفریقا روشن گردید. جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز در ژوئیه ۲۰۰۳ از تعدادی کشورهای آفریقایی دیدن کرد. رخنه آمریکا در آفریقا از ابعاد اقتصادی و امنیتی قابل تصور است. از زمان آغاز بحران جنوب سودان در دهه ۸۰، آمریکا از شورشیان جنوب حمایت کرده است. سیاست خارجی آمریکا در موارد مختلف نشان می‌دهد که حمایت آمریکا از شورشیان جنوب سودان نه به خاطر ملاحظات انسان دوستانه، بلکه برای منابع نفت بوده است. بیشترین ذخایر نفتی سودان در جنوب این کشور قرار دارد. آفریقا اکنون ۴ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند که برابر تولید روزانه سه کشور ایران ونزوئلا و مکزیک است.<sup>(۷)</sup> با توجه به معضلات امنیتی که بر نفت خاورمیانه سایه افکنده است، آمریکا به دنبال جایگزینی نفت آفریقا است. کنار آمدن آمریکا با لیبی بر سر

ماجرای لاکربی پس از دو دهه کشمکش و بازگشت شرکت‌های آمریکایی به لیبی، اهداف واقعی واشنگتن را برای دسترسی به نفت لیبی نشان می‌دهد. معمر قذافی، رهبر لیبی، که کشورش تحت فشار غرب به ویژه آمریکا در سال ۲۰۰۴ برنامه هسته‌ای خود را کنار گذاشت، سوم مارس گفت، آمریکا به وعده‌های خود در برابر لیبی عمل نکرد. اکنون شرکت‌های نفتی آمریکایی مثل شورون به لیبی بازگشته‌اند. آمریکا به نفت خلیج گینه نیز که در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد، توجه دارد و انتقال آن به آمریکا ارزان است. میزان واردات نفت آمریکا از غرب آفریقا از ۱۵ درصد در ۲۰۰۲ به ۲۰ درصد در سال جاری افزایش یافته است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۵ به ۲۵ درصد برسد.

حضور آمریکا در آفریقا از بُعد سیاسی و امنیتی از سال ۱۹۹۲ در دوره ریاست جمهوری کلینتون آغاز شد. مقاومت سومالیایی‌ها باعث شد آمریکا به تحمل شکست از این کشور شاخ آفریقا خارج شده و جیبوتی را پایگاه جدید نظامی خود قرار دهد. بعد از این شکست، آمریکا تا یک دهه در آفریقا غایب بود. حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، رویکرد این کشور به قاره سیاه را تغییر داد. در فوریه گذشته، آمریکا از تشکیل فرماندهی جدید نظامی در آفریقا در چارچوب وزارت دفاع پنتاگون خبر داد. علاوه بر اهداف غیراعلانی، رقابت با قدرت‌های دیگر به ویژه چین، مبارزه با تروریسم و ویژگی اصلی این سیاست جدید است. آمریکا اکنون در جیبوتی پایگاه نظامی با ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ سرباز دارد. سیاست جدید آمریکا در شاخ آفریقا بر مبارزه با تروریسم و آموزش نیروهای مسلح کشورهای این منطقه استوار است، ولی در مورد کشورهای ساحلی یا منطقه ساحل، دولت بوش از سال ۲۰۰۲ ابتکاری موسوم به ابتکار ساحل برای حمایت از مالی، موریتانی، نیجر

و چاد آغاز کرده است. در سال ۲۰۰۵ این ابتکار، توسعه یافت و شامل ده کشور دیگر منطقه نیز شد.

توجه دوباره آمریکا به آفریقا بعد از یک غیب طولانی، نمایان گر اهمیت نظامی این منطقه و بی توجهی این کشور به مشکلات اقتصادی و بشردوستانه آفریقا است؛ اگرچه کمک‌های اقتصادی و بشردوستانه آمریکا، مقدمه‌ای برای تحقق اهداف امنیتی و نظامی است. رویکرد جدید آمریکا برای احداث پایگاه نظامی در الجزایر و مغرب نیز اخیراً مورد توجه کارشناسان قرار گرفت. ژنرال جیمز جونز، فرمانده نیروهای ناتو در اروپا و فرمانده نیروهای آمریکایی در اروپا، گفت، آمریکا نمی‌تواند آفریقا را کنار بگذارد. وی افزود، قاره آفریقا دارای امکانات تبدیل به یک قدرت اقتصادی است و آمریکا باید در این قاره بماند.<sup>(۸)</sup> ملموس‌ترین و تازه‌ترین مورد مداخله آمریکا در امور آفریقا، مداخله این کشور در سومالی و حمایت از ارتش اتیوپی برای بیرون راندن شبه نظامیان از سومالی در ژانویه گذشته است.

### چین، قدرت منطقه‌ای در حال تبدیل به قدرت بزرگ

جمهوری خلق چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان و سومین کشور بزرگ از جهت مساحت، با پشت سر گذاشتن تحولات مثبت و منفی دوران جنگ سرد، اکنون به قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است و دانشمندان روابط بین‌الملل با اشاره به این که قرن بیست و یکم، قرن چین و هند است، معتقدند که چین در حال تبدیل شدن به قدرت بزرگ و در نهایت، ابرقدرت است. هنری کسینجر معتقد است که چین در کنار آمریکا، اروپا، ژاپن، روسیه و هند، یکی از شش قدرت بزرگ نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم است. چین

برای تحقق اهداف ملی و تأمین منافع ملی، اهمیت ویژه‌ای برای مناطقی چون آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا قائل است. قاره آفریقا، یکی از مناطقی است که دستگاه دیپلماسی چین توجهی ویژه به آن داشته است. در این جا مؤلفه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی قدرت ملی چین بررسی می‌شود.

#### الف. قدرت اقتصادی

چینی‌ها معتقدند که ضعف قدرت اقتصادی، مهم‌ترین علت فروپاشی شوروی بود. بر این اساس، قدرت اقتصادی، مؤثرترین متغیر قدرت ملی در چین تعریف شده است. رشد اقتصادی سریع و خیره‌کننده چین در سه دهه گذشته، باعث شگفتی کارشناسان اقتصادی غربی شده است. بانک مرکزی چین ژانویه گذشته اعلام کرد که ذخایر ارزی چین در پایان سال ۲۰۰۶ به ۱/۰۶۶۳ تریلیون دلار رسید که در مقایسه با پایان سال ۲۰۰۵، ۳۰/۲۲ درصد افزایش داشته است. ذخایر ارزی چین در سال ۱۹۷۹، کمتر از یک میلیارد دلار بود. افزایش شدید مازار تجاری کالایی چین به علت بهبود توانایی‌های تولید چین و رونق اقتصادی کشور بالا رفته است. و این نیز به نوبه خود، موجب افزایش چشمگیر ذخایر ارزی چین شده است. به این ترتیب، چین دارای بزرگ‌ترین ذخایر ارزی جهان است و این مقام را که در دست ژاپن بود ربود. مازاد تجاری چین در ژانویه گذشته با ۳۳ درصد، در مقایسه با ماه گذشته، به ۱۵/۸۸ میلیارد دلار رسید.<sup>(۹)</sup>

چین، سومین کشوری است که بیشترین سرمایه مستقیم خارجی را جذب می‌کند. براساس گزارش کنفرانس تجارت و سرمایه‌گذاری سازمان ملل متحد اونکتاد چین در سال

۲۰۰۵، ۷۲/۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی مستقیم جذب کرده است. اقتصاد چین با پیشی گرفتن از اقتصاد انگلیس و فرانسه، به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است. چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان، در سایه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فناوری وارداتی از خارج، به ابرقدرت آسیا تبدیل شده است و تا سال ۲۰۲۵، از نظر اقتصادی از آمریکا پیشی خواهد گرفت. در این گزارش، آمده است که تولید صنعتی در سال گذشته، ۱۶/۷ درصد رشد داشته است. در حال حاضر آمریکا، آلمان، چین و ژاپن به ترتیب اولین، دومین، سومین و چهارمین قدرت تجاری جهان هستند.<sup>(۱۰)</sup>

حجم مبادلات تجاری چین در ماه اول سال جاری به ۱۵۷/۳۶ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۳۰/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. واردات چین نیز با ۲۷/۵ درصد افزایش به ۷۰/۷۴ میلیارد دلار در ژانویه گذشته رسید. در ژانویه گذشته، تجهیزات الکترونیکی و ماشین‌آلات در صدر صادرات چین بود و با ۳۵ درصد افزایش به ۴۸/۸ میلیارد دلار رسید. صادرات البسه با ۲۲ درصد افزایش به ۸/۱۴ میلیارد دلار رسید. صادرات منسوجات چین نیز با ۱۱/۶ درصد افزایش به چهار میلیارد دلار و کفش با ۱۷/۲ درصد افزایش به ۲/۲۶ میلیارد دلار رسید.<sup>(۱۱)</sup>

کشورهای صنعتی «گروه ۷» در نشست وزیران دارایی خود در آلمان، اوایل فوریه ضمن درخواست از چین برای بازنگری در ارزش پول ملی خود درباره «ین» به این نکته بسنده کردند که بازارها باید سلامت خوب اقتصاد ژاپن را در نظر قرار گیرند. براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که مقر آن در پاریس است، چین قرار است تا آخر امسال به دومین کشوری تبدیل شود که بیشترین سرمایه‌گذاری را در زمینه تحقیق و

توسعه می‌کند. دیرک پیلات، رئیس بخش سیاست علمی و فناوری در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، امروز با انتشار گزارشی اعلام کرد که سرعت پیشرفت چین در زمینه هزینه‌هایی که در بخش تحقیق و توسعه صورت می‌گیرد، قابل چشمگیر است. چین در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی عضویت ندارد. در ادامه این گزارش آمده است که کشورهای عضو این سازمان نیز اگر می‌خواهند فاصله‌شان با چین زیاد نشود، باید کارایی بخش‌های تحقیق و نوآوری خود را تقویت و ابزار و امکانات جدیدی برای تشویق نوآوری در عرصه جهانی که رقابت شدید ویژگی آشکار آن است را پیدا کند.

براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، چین در سال ۲۰۰۶، حدود ۱۳۶ میلیارد دلار در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کرده است و به این ترتیب، گوی سبقت را از ژاپن با ۱۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این بخش برده است. آمریکا با ۳۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این بخش، همچنان مقام نخست را در جهان دارد. براساس این گزارش، اتحادیه اروپا نیز در مجموع اندکی بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار به تحقیق و توسعه اقتصادی اختصاص می‌دهد.

چین در سال‌های اخیر، تمرکز خود را بر امر تحقیق با هدف گذر از کشور دریافت‌کننده تحقیق و توسعه، به کشور تولیدکننده آن گذاشته است. براساس آمار سازمان تحقیق و توسعه چین، از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۴ هزینه‌های تحقیق و توسعه که برحسب تولید ناخالص داخلی به درصد محاسبه شده است، از ۶ درصد به ۱/۲۳ درصد افزایش یافته است. در طول همین دوره، شمار محققان با ۷۷ درصد افزایش به ۹۲۶ هزار

نفر رسیده است. از این نظر تنها آمریکا با بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر محقق از چین جلوتر است.

سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های چندملیتی چینی در سال ۲۰۰۶ با ۳۲ درصد افزایش به ۱۶ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار رسید. چین از رتبه هفدهم سرمایه‌گذاری به رتبه سیزدهم رسیده است. شرکت‌های چندملیتی چینی سال ۲۰۰۶ طرح‌هایی به ارزش ۳۰ میلیارد دلار در خارج اجرا کرده‌اند.

چین در سال ۲۰۰۶، ۳۵۱ هزار کارگر به خارج اعزام کرد. این کشور به احتمال زیاد با پیشی گرفتن از آمریکا و آلمان، تا سال ۲۰۲۰ میلادی به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی باد در جهان تبدیل می‌شود. به نقل از گزارش سالانه درباره صنعت انرژی چین، ظرفیت تولید انرژی باد در چین تا سال ۲۰۲۰ به ۱۵۰ هزار میلیون کیلووات خواهد رسید و این کشور را به بازار اصلی انرژی باد تبدیل خواهد کرد. در این گزارش به نقل از شورای جهانی انرژی بادی آمده است که در میانه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ میلادی به ظرفیت تولید انرژی باد در چین با افزایش ۳۰ درصد در سال، از ۳۵۰ هزار کیلووات در سال ۲۰۰۰ میلادی به یک میلیون و ۲۶۰ هزار در سال ۲۰۰۵ میلادی رسیده است.<sup>(۱۲)</sup>

چین در حال تبدیل به سومین کشور تولیدکننده خودرو به جهان است. براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، چین قرار است تا پایان امسال، به دومین کشوری تبدیل شود که بیشترین سرمایه‌گذاری را در زمینه تحقیق و توسعه می‌کند. طبق گزارش سالانه اتاق بازرگانی صادرات و واردات محصولات الکترونیکی و برقی چین، این کشور در صادرات اتومبیل به ویژه به اروپا، جایگاه خود را مستحکم‌تر کرده است و اروپا

اکنون به بزرگ‌ترین بازار خارجی صادرات اتومبیل چین تبدیل شده است. صادرات اتومبیل چین در سال گذشته شاهد تغییر و تحولاتی بوده است و هنوز آسیا با جذب ۴۳/۶ درصد، بزرگ‌ترین بازار اتومبیل چین است. بعد از آسیا، اروپا ۲۳/۹ درصد بازار اتومبیل‌های چین را در دست دارد. سال گذشته، صادرات اتومبیل چین به اروپا با ۱۷۱/۹ درصد افزایش به ۷۶/۶ هزار اتومبیل رسید و ارزش آن، ۷۴۸ میلیون دلار برآورد شد. در سال گذشته، چین به ۱۸۶ کشور و منطقه در جهان اتومبیل صادر کرد که این رقم در سال ۲۰۰۵، ۱۷۹ کشور و منطقه بود. چین به طور کلی در سال ۲۰۰۶، ۳۴۳/۵ هزار اتومبیل صادر کرده است که در مقایسه با سال‌های قبل، بیش از ۹۷ درصد افزایش نشان می‌دهد. ارزش این صادرات کلی اتومبیل در سال گذشته، ۳/۱۳۴ میلیارد دلار برآورد شده است.<sup>(۱۳)</sup>

### ب. قدرت نظامی

رشد اقتصادی چین، افزایش قدرت نظامی این کشور را نیز به دنبال داشته است. مقامات چینی، چهارم مارس از افزایش بودجه نظامی چین در سال ۲۰۰۷ میلادی تا میزان ۱۷/۸ درصد خبر دادند. سخن‌گوی کنگره ملی خلق چین اعلام کرد که چین در سال‌های اخیر به تدریج میزان هزینه‌های نظامی خود را افزایش داده است و این افزایش بودجه به منظور برطرف کردن نقاط ضعف سیستم دفاعی کشور صورت گرفته است. وی افزود، بودجه نظامی کشور حدود ۷/۵ درصد از کل بودجه دولت را در سال ۲۰۰۷ به خود اختصاص می‌دهد.<sup>(۱۴)</sup> گفتنی است که این رقم در سال ۲۰۰۶، ۷/۴ درصد بوده است.



افزایش هزینه‌های نظامی چین باعث نگرانی آمریکا، ژاپن و تایوان شد. جان نگر و پوتنه، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، گفت، آنچه برای ما در زمینه بودجه نظامی و دستاوردهای گوناگون نظامی مهم است، شفاف بودن آن است. ارتش آمریکا دوم مارس در گزارشی اعلام کرد که نیروی دریایی چین اخیراً یکی از پنج زیردریایی هسته‌ای نسل جدید خود را در دریا آزمایش کرده است که قادر به پرتاب موشک‌های بالستیک با برد تقریباً پنج برابر موشک‌های قبلی است.<sup>(۱۵)</sup> این آزمایش‌ها در چارچوب راهبرد کلی چین برای مقابله با قدرت دریایی آمریکا در غرب اقیانوس آرام است که مدرن‌ترین زیردریایی‌های موشک‌انداز را در آن مستقر کرده است.

براساس گزارش دستگاه‌های اطلاعاتی نیروی دریایی آمریکا، نسل جدید زیردریایی‌های چین می‌تواند از سال ۲۰۰۸ عملیاتی شود. این زیردریایی به موشک‌های جدید جی ال - دو مجهز است که برد آنها ۸ هزار کیلومتر می‌باشد. در این گزارش همچنین آمده است که چین دارای ۵۵ فروند زیردریایی جنگی است، اما اکثر آنها به سامانه‌های دیزلی برقی مجهزند و این مسأله، ماندن آنها در زیر دریا را محدود می‌کند، اما رهگیری آنها مشکل است. براساس گزارش دولتی چین، هدف پکن از تلاش‌های مداوم برای نوسازی ارتش، فقط برای دفاع در برابر تهدیدات امنیتی جدید و کنترل تلاش‌های تایوان برای دستیابی به استقلال است. براساس پنجمین گزارش نظامی چین که از سال ۱۹۹۸ صادر می‌شود، هیچ کشور خارجی نباید خود را در برابر تهدید چین ببیند؛ زیرا افزایش هزینه‌های نظامی تنها برای اهداف دفاعی و براساس توسعه اقتصادی کشور است. براساس این گزارش، هزینه‌های نظامی چین به تدریج براساس توسعه اقتصادی کشور

رشد کرده است و نوسازی نیروهای مسلح که استعداد آن ۲/۳ میلیون نفر است، بخش جدانشدنی از توسعه اجتماعی و اقتصادی چین و براساس جهت‌گیری‌های جدید در «انقلاب جهانی» است.<sup>(۱۶)</sup>

بودجه نظامی چین در سال ۲۰۰۶، بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار بود که در مقایسه با سال ۲۰۰۵، ۱۵ درصد افزایش داشت. ولی تحلیل‌گران معتقدند که رقم واقعی بسیار بیشتر از آن است. هو جینتاو، رئیس‌جمهور چین، ژانویه ۲۰۰۷ خواستار ایجاد یک نیروی دریایی قدرتمند و مدرن شد. هو گفت، نیروی دریایی چین باید براساس نظریه دنگ شیائوپنگ نوسازی شود. رئیس‌جمهور چین افزود، نیروی دریایی چین در دفاع از منافع کشور و حاکمیت ملی اهمیت حیاتی دارد.<sup>(۱۷)</sup>

مسأله تایوان، از عوامل نگرانی چین است. اوت گذشته کاو جانگشوان، وزیر دفاع چین، هشدار داد که کشورش به هیچ وجه اجازه استقلال تایوان را نخواهد داد. جانگشوان در مراسم هفتاد و نهمین سالروز تأسیس ارتش آزادی‌بخش خلق چین که اول اوت برگزار شد، خواستار تسریع در روند نوسازی ارتش شد. وی همچنین گفت که ارتش باید در نوسازی تجهیزات نظامی و به کارگیری فناوری پیشرفته عجله کند تا ارتشی انقلابی و مدرن داشته باشیم. وی گفت، سربازان چینی که ۲/۵ میلیون نفر هستند، تمرینات سخت و قوی با شرایط جنگ خواهند داشت و نظام عملیاتی جدید برای تمرین سربازان طبق فناوری اطلاعات ایجاد خواهیم کرد.<sup>(۱۸)</sup>

ارتش آزادی‌بخش خلق چین، راهبرد دفاعی را به منظور تقویت صلح و توسعه و همکاری در عرصه بین‌المللی در پیش خواهد گرفت، ولی مشخص است که آماده

پاسخگویی به هر گونه بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی به ویژه مبارزه چالش‌های جدید می‌باشد. سخن‌گوی وزارت امور خارجه چین، نوامبر گذشته گفت، چین به قرارداد آمریکا با تایوان برای فروش هواپیماهای جنگنده اف ۱۶ به تایپه، شدیداً اعتراض کرده است. ارزش قرارداد فروش ۶۶ فروند اف شانزده به تایوان، ۱۲۰ میلیارد دلار اعلام شده است و تحویل این جنگنده‌ها از سال ۲۰۱۱ آغاز خواهد شد. هزینه‌های نظامی چین که با ۲/۵ میلیون نفر، بزرگ‌ترین ارتش جهان را در اختیار دارد، باعث نگرانی کشورهای همسایه و آمریکا شده و کارشناسان معتقدند ارزیابی این خطر دشوار است.<sup>(۱۹)</sup>

آمریکا نیروها و تجهیزات نظامی خود را در سال‌های اخیر در حوزه اقیانوس آرام تقویت کرده است تا به این ترتیب، خود را برای مقابله با تهدیدهای ناشی از توسعه و تقویت نظامی چین آماده سازد. گزارشی که سال ۲۰۰۵ در پنتاگون منتشر کرد، تصریح می‌کند که هزینه‌های نظامی چین در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۹۰ میلیارد دلار می‌رسد که بزرگ‌ترین هزینه نظامی در آسیا و سومین در جهان پس از آمریکا و روسیه است.<sup>(۲۰)</sup>

دولت چین در این گزارش که شامل جزئیاتی از راهبرد هسته‌ای این کشور نیز است، اعلام کرد که هدف نهایی این کشور از توسعه فعالیت‌های هسته‌ای صرفاً دفاع از خود است. چین با انتشار این گزارش، تصریح کرد این کشور هرگز اولین استفاده‌کننده از سلاح‌های هسته‌ای نخواهد بود. هدف چین از توسعه سلاح‌های هسته‌ای، ترساندن و بازداشتن دیگر کشورها از استفاده از سلاح هسته‌ای و یا تهدید هسته‌ای علیه این کشور است. دولت چین همچنین بار دیگر متعهد شد که از سلاح‌های هسته‌ای خود بر ضد

کشورها و مناطق غیرهسته‌ای و یا برای تهدید آنها استفاده نکند و نیز از ممنوعیت فراگیر و حذف کامل سلاح‌های هسته‌ای از سراسر جهان حمایت کرد.

چین در سال ۱۹۶۴ اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و همان سال نیز اعلام کرد هرگز در استفاده از سلاح هسته‌ای پیشقدم نخواهد شد. دولت چین در این گزارش همچنین اعلام کرد این کشور هرگز به رقابت در زمینه تولید سلاح هسته‌ای با هیچ کشوری نپرداخته و نخواهد پرداخت و به تعهدات خود درقبال صلح پایمند است. چین در سال ۱۹۸۴ به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیوست و چندین قرارداد بین‌المللی در زمینه مسائل هسته‌ای از جمله پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده است.

### ج. قدرت فرهنگی

خانواده‌های آمریکایی رقابت عجیبی برای فرستادن فرزندان خود به کلاس آموزش زبان چینی (ماندارین) آغاز کرده‌اند و برخی خانواده‌ها مربی و معلم زن چینی را به عنوان پرستار بچه، معلم و عضوی از خانواده استخدام می‌کنند. مایکل لدین، معاون انجمن ایگاسوسایتی، که برای توسعه روابط فرهنگی بین آسیا و آمریکا کار می‌کند و جایگاه در نیویورک قرار دارد، گفت استقبال زیادی از زبان چینی می‌شود و آمریکایی‌ها حتی در مرکز کشور یعنی کانزاس و کنتاکی می‌خواهند چینی حرف بزنند. خانواده‌های آمریکایی می‌گویند، پیدا کردن معلم خوب چینی زبان به یک مشکل برای آنها تبدیل شده است و این که آیا جایی است که این مشکل را حل کند. شوهان وانگ، یکی از مسؤولان تدریس زبان چینی در انجمن ایگاسوسایتی، تعداد مدارس که در آمریکا درس زبان چینی تعلیم

می‌دهند را حدود ۲۵ تا ۵۰ هزار دانش آموز و دانشجو در بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ مدرسه برشمرد.<sup>(۳۱)</sup>

در مدارس ابتدایی در بوتوماک، یکی از نواحی ثروتمند واشنگتن، استقبال از زبان چینی از ۱۹۹۶ آغاز شده است و در برنامه آموزشی این منطقه، برای مثال، ۴۰ دانش آموز در فهرست انتظار مربی چینی قرار دارند. لیندا گولدرگ، مدیر مدرسه بوتوماک، گفت ما در یک جامعه عقلایی زندگی می‌کنیم که می‌گوید، این که زبان انگلیسی به تنهایی مهم است، دیگر توجیه‌پذیر نیست. رقابت خانواده‌ها بر سر مربی زن چینی که در خانه آنها بماند، به حدی رسیده است که دو خانواده بر سر یک مربی چینی حاضر شدند تا ۷۰ هزار دلار سالانه بدهند.

با ادامه رشد اقتصاد چین با میانگین ۱۰ درصد، تجار داخلی و خارجی این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا میراث فرهنگی کشور که تاریخ آن به ۵ هزار سال برمی‌گردد، می‌تواند باعث تولیداتی در این کشور شود که توجه افکار عمومی جهانی را به خود جلب نماید. فراگیرتر شدن زبان چینی و فیلم‌های چینی دارنده جوایز و همچنین هنرمندانی که مورد تشویق و تمجید بین‌المللی قرار گرفته‌اند و مبادلات عمیق‌تر با مراکز فرهنگی در جهان می‌تواند این چشم داشت فزاینده چینی‌ها را تقویت کند. دولت چین تبلیغات وسیعی برای گسترش زبان چینی در جهان انجام داده و می‌دهد.

چین اعلام کرده است که حدود ۱۰۰ مؤسسه در جهان برای کمک به اتباع خارجی برای آموزش زبان چینی رسمی (ماندارین) و فرهنگ چینی برپا کرده است.

وزارت آموزش چین اعلام کرده است که ۴۰ میلیون نفر در سراسر جهان سرگرم یادگیری زبان چینی هستند و پیش‌بینی کرده است که این رقم تا سال ۲۰۱۰ به ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد. فقط در چین تعداد خارجی‌هایی که زبان ماندارین تعلیم می‌بینند، از ۳۶ هزار نفر در ۱۰ سال قبل به ۱۱۰ هزار نفر در سال جاری افزایش یافته است. در سال گذشته، تعداد دانشجویان خارجی شرکت‌کننده در امتحانات سطح زبان چینی با ۲۷ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۴، به ۱۱۸ نفر رسید. امتحان سطح زبان چینی در سال ۱۹۹۰ در چین آغاز شد و اکنون در ۳۷ کشور برگزار می‌شود. تاکنون در امتحانات سطح از سال ۱۹۹۱ تا پایان سال ۲۰۰۵، بیش از ۵۰۰ هزار نفر از ۱۲۰ کشور جهان شرکت کرده‌اند.<sup>(۳۳)</sup> زبان چینی در بیش از ۲۵۰۰ دانشگاه جهان در بیش از ۱۰۰ کشور تدریس می‌شود. دولت چین تصمیم دارد آموزش زبان چینی را به عنوان زبانی فراگیر در سراسر جهان در برنامه کاری خود قرار دهد. اجلاس جهانی زبان چینی با حضور کارشناسان و زبان‌دانان اواسط سال ۲۰۰۵ در پکن برگزار شد.

مجلس نمایندگان انگلیس اخیراً در یک بررسی اعلام کرد، زبان‌های اصلی دنیا در آینده چهار زبان اسپانیایی، عربی، چینی و انگلیسی خواهد بود.

شو لین رئیس دفتر ملی آموزش زبان چینی معتقد است با معجزه تمدنی که داریم و همچنین با توسعه زبان چینی در جهان، چین می‌تواند یک بازیگر جهانی شود. کارشناسان معتقدند که گسترش زبان ماندارین با رشد اقتصادی چین ارتباط دارد و هر قدر اقتصاد چین جهانی شود، زبان چینی هم جهانی‌تر می‌شود. به بیان دیگر، فقط جاذبه فرهنگ در میان نیست، بلکه عامل اقتصاد هم است. چین به عنوان بزرگ‌ترین ناشر کتاب، روزنامه و

مجله در جهان موفق نشده است، مطبوعات خود را مثل اسباب‌بازی‌ها البسه و تولیدات الکترونیکی رواج دهد. چین در هر سال مطبوعات خارجی به ارزش صدها میلیون دلار وارد می‌کند، ولی صادرات مطبوعاتی آن کم است. جنوب شرق آسیا، هنگ کنگ، ماکائو و تایوان بیشترین خریداران مطبوعات و کتب چینی هستند و مطبوعات چینی در بازار غربی جایگاه نیرومندی ندارد.

کتب چینی که صادر می‌شود، احتمالاً از فرهنگ سنتی چینی مثل چیقونگ و طب سنتی است و به گفته کارشناسان، کتاب درباره فرهنگ و جامعه معاصر چین کم است. حتی در آسیا که فرهنگ چینی در بسیاری از کشورها تأثیر تاریخی دارد، فرهنگ ژاپنی و کره‌ای زایش کرده و رواج یافته است.

صنعت فرهنگی ژاپن و کره جنوبی ۱۳ درصد از بازار فرهنگی جهانی را در دست دارد و چین و همه کشورهای دیگر آسیایی، ۶ درصد را در اختیار دارد.

فیلم‌های شگفتی‌ساز سال جاری، صنعت فیلم در چین، شاهد رشد سریعی بود. انتظار می‌رود تعداد فیلم‌های چینی در سال ۲۰۰۶ به رکورد ۳۳۰ فیلم برسد. در این میان، سه فیلم وعده، ضیافت و لعنت گل سرخ که هر سه رزمی و از کارگردانانی است که برنده جایزه شده‌اند، مورد توجه قرار گرفتند. ساخت این سه فیلم، هزینه‌های زیادی دربرداشته است. سپتامبر گذشته، جیا چانگ، کارگردان فیلم «هنوز زندگی»، در ۶۳ جشنواره فیلم ونیز، شیر طلایی گرفت و به کشور بازگشت. کارشناسان سینما معتقدند فیلم‌های چینی در حال خروج از قالب سنتی و در حال ورود به صحنه بین‌المللی هستند.<sup>(۳۳)</sup>

ولی کارشناسان می‌گویند به رغم شکوفایی اولیه در صنعت سینما در چین، این فیلم‌ها هنوز خارج از سالن‌های سینمای اصلی غربی قرار دارند. نزدیک شدن زمان میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸، فرصتی برای چین است تا ثابت کند که بیشتر و بزرگ‌تر از صرفاً یک کارگاه ساختن در جهان است. کارشناسان چینی می‌گویند چین نمی‌خواهد ابرقدرت شود، ولی از آن جایی که یکی از تمدن‌های کهن است، اگر فقط تجهیزات تلویزیونی را بدون برنامه‌های تلویزیونی صادر کند، همان کارگاه ابزارآلات باقی خواهد ماند. در چین حدود ۴۰ میلیارد نسخه مطبوعات مختلف چاپ می‌شود.

### وضعیت سیاسی و اقتصادی آفریقا

رابطه سیاست و اقتصاد در آفریقا غلیظ‌تر از مناطق دیگر جهان بوده و هست. توسعه اقتصادی، یکی از دغدغه‌های اصلی بیشتر کشوری آفریقایی و اولویت‌های سیاست خارجی کشورهای آفریقایی به ویژه با توجه به تحولات اخیر در نظام بین‌الملل است. کمیسیون اقتصادی برای آفریقا اعلام کرد که قاره آفریقا برای این که بتواند در سال ۲۰۱۵ اهداف هزاره خود در زمینه توسعه را محقق سازد، باید به رشد اقتصادی ۷ درصدی برسد. این کمیسیون پیش‌بینی کرد، اقتصاد آفریقا در سال جاری ۵/۶ درصد رشد داشته باشد که نسبت به سال ۲۰۰۶ تغییری نکرده است. کاهش سطح فقر، بهبود سطح زندگی و اشتغال زایی از اهداف مهم اهداف توسعه در آفریقا به شمار می‌رود. این گزارش، فاش نمود که فقط ۳۰ درصد آفریقایی‌ها از نعمت برق بهره‌مندند.<sup>(۳۴)</sup> آفریقا در ۱۰ سال گذشته، گام بزرگی به سوی صلح و برقراری ثبات و پشت سر گذاشتن موارد متعدد جنگ،



منازعات سیاسی و نظامی برداشته است که سال‌ها مانع اصلی بر سر راه توسعه و ترقی این قاره پر از منابع بود.

تعدادی از کشورهای آفریقایی با پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر داشته‌اند، نشان داده‌اند که آفریقا می‌تواند گام‌های ثابتی به سوی صلح و همزیستی و تحولات مسالمت‌آمیز بردارد. ساختار اتحادیه آفریقا برگرفته از اتحادیه اروپایی است که با تلاش‌های معمر قذافی، رهبر لیبی، در اجلاس فوق‌العاده سازمان وحدت آفریقا در سرت لیبی در مارس ۲۰۰۱ تأسیس شد. قذافی در اصل خواستار برقراری نظام فدرالیسم در آفریقا با عنوان ایالات متحده آفریقا متشکل از ۵۳ کشور شده بود.

کنفرانس عالی‌ترین مرجع شامل رؤسای جمهوری نخست وزیران، کمیسیون دبیرخانه سابق در سازمان وحدت آفریقا و شورای اجرایی از ارکان سه‌گانه اصلی اتحادیه آفریقا است. جایگاه پارلمان آفریقا نیز که به تبع تحولات جدید، در ۲۰۰۴ تأسیس شد، در آفریقای جنوبی قرار دارد. این پارلمان که ۲۶۵ عضو دارد، نقش مشورتی اتحادیه آفریقا را برعهده دارد.

در می ۲۰۰۴ اتحادیه آفریقا شورای صلح و امنیت را براساس الگوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تأسیس کرد که مأموریت اصلی آن اعزام نیروی پاسدار صلح به کشورهای محل منازعه است. سازمان وحدت آفریقا به علت ناتوانی در برخورد با جنگ‌های قاره همیشه زیر سؤال بود. اتحادیه آفریقا از سال ۲۰۰۲ حدود ۲۷۰ سرباز در برون‌دی مستقر کرده است که از سال ۱۹۹۳ دچار جنگ داخلی شده است و انجام این مأموریت به علت مشکلات مالی متوقف ماند و سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۰۴ جای

آن را گرفت. اتحادیه آفریقا رد سال ۲۰۰۴ بیش از ۷۰۰۰ نیرو در دارفور در غرب سودان مستقر کرد که از فوریه ۲۰۰۳ دچار جنگ بین شورشیان و نیروهای دولتی است. ولی این نیروها نیز دچار مشکلاتی هستند و مأموریت آن در ۲۰۰۴ به سازمان ملل متحد سپرده شد.<sup>(۲۵)</sup>

در اجلاس اخیر سران آفریقا در ادیس آبابا، غنا ریاست دوره‌ای اتحادیه آفریقا را در سال ۲۰۰۷ برعهده گرفت. این در حالی است که پیش‌تر مانند سال ۲۰۰۶، سودان نامزد احراز سمت ریاست دوره‌ای اتحادیه آفریقا شده بود و برخی گمانه زنی‌ها نیز حاکی از آن بود که قرار است این سمت به کنگو برسد. ساسو انگسو، رئیس دوره‌ای اتحادیه آفریقا، قبلاً در همین زمینه گفته بود، بحران دارفور در غرب سودان و مخالفت این کشور با استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در این منطقه بحرانی، یکی از موانع سودان برای برعهده گرفتن ریاست دوره‌ای اتحادیه آفریقا است. شورشیان دارفور هشدار داده بودند که اگر عمر حسن البشیر، رئیس جمهوری سودان، به ریاست اتحادیه آفریقا تعیین شود، آنها در گفت‌وگوهای صلح شرکت نخواهند کرد و با نیروهای پاسدار صلح اتحادیه آفریقا خواهند جنگید. هشتمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا، ویژگی خاصی داشت و آن به خاطر شرکت بان لی مون، دبیرکل جدید سازمان ملل متحد، است.

اتحادیه آفریقا با وجود دشواری‌هایی که دارد، برای حل و فصل منازعات قاره آفریقا به ویژه استقرار صلح در منطقه بحران زده دارفور در غرب سودان و اعزام نیرو به سومالی تلاش می‌کند. سودان متهم به حمایت از شبه نظامیان جنجويد است و اتحادیه آفریقا با این نیروها و نیروهای مخالف دولت برای تقویت نیروها با نیروهای بین‌المللی در این

منطقه دشواری دارد. پرونده داغ دیگر مربوط به سومالی بود. اتحادیه آفریقا تلاش می‌کند، حمایت کشورهای عضو را برای مشارکت در نیروهای صلح در این کشور جلب کند که شورای صلح و امنیت آفریقا در نوزدهم ژانویه، این تصمیم را گرفت تا روند انتقال نهادهای دولتی در این کشور تحقق یابد.

تاکنون فقط کشورهای اوگاندا، مالاوی و نیجریه برای شرکت در این نیرو اعلام آمادگی کرده‌اند. اتحادیه آفریقا برای انجام این گونه مأموریت‌ها با کمبود امکانات مالی و لجستیک مواجه است. بحران در گینه، ساحل عاج و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اکتبر در این کشور، مناقشه در مرز سودان و چاد و بحران در آفریقای مرکزی از دیگر موضوعات این اجلاس بود. علم و فناوری برای توسعه و تغییرات آب و هوایی در آفریقا، دو موضوع محوری خواهد بود. اتیوپی ماه گذشته در اقدامی که آن را تلاش برای جلوگیری از حملات تروریستی اسلام‌گرایان به این کشور نامید، به سومالی حمله کرد. اتحادیه آفریقا در نشست ژانویه خود با استقرار بیش از ۷۶۰۰ هزار نیروی پاسدار صلح در سومالی موافقت کرد و قرار است به زودی استقرار این نیروها آغاز شود. شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا تصمیم گرفت، ۹ گردان ۸۵۰ نفری را برای یک دوره شش ماهه به سومالی اعزام کند. هدف از این مأموریت، تسهیل عملیات بشردوستانه و سومالی و تقویت صلح و ثبات در این کشور است.

اجلاس آتی سران آفریقا در اکرا فقط به موضوع تشکیل «ایالات متحده آفریقا» اختصاص خواهد داشت. بنابر درخواست عبدالله واد، رئیس جمهور سنگال، اجلاس آتی سران در اکرا، تنها یک دستور کار خواهد داشت و آن تشکیل ایالات متحده آفریقا است.

تشکیل ایالات متحده آفریقا، هدف بعدی اتحادیه آفریقا بعد از تشکیل این اتحادیه بود، ولی اعضای اتحادیه آفریقا بر سر این موضوع اختلاف دارند. کشورهای غرب آفریقا خواهان تقویت اتحادیه آفریقا به ویژه در سطح سیاسی هستند. در مقابل، کشورهای جنوب آفریقا در این باره محافظه کاری می کنند.

رؤسای جمهور و نخست وزیران کشورهای عضو اتحادیه آفریقا در نشست خود در آدیس آبابا گروهی متشکل از ۵ شخصیت برجسته آفریقایی، از جمله دو زن برای پیش گیری و مدیریت جنگها و بحرانهای این قاره تشکیل دادند.

تشکیل این گروه از شخصیت‌های برجسته آفریقایی توسط نشست سران اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا به تصویب رسید. اندیشه تشکیل چنین گروهی در زمان تشکیل شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۳ مطرح شد، اما تا امسال اجرا نشد.

با تشکیل این گروه با توجه به آزادی عملی که خواهند داشت، به اتحادیه آفریقا اجازه خواهد داد تا خیلی آزادانه دیدگاه‌های خود را درباره بحران‌های کنونی آفریقا و نحوه مدیریت آنها اعلام کند. یک دیپلمات آفریقایی که در نشست امسال اتحادیه آفریقا شرکت داشت، در این زمینه گفت، شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا ساختاری سیاسی و دولتی دارد. اما کمیته شخصیت‌های برجسته آفریقایی برای بیان نظرات و دیدگاه‌های خود، کاملاً آزاد هستند؛ زیرا کسانی که برای عضویت در این گروه انتخاب شده‌اند، تجربه سیاسی زیادی دارند و از همین رو، با جرأت و شجاعت می‌توانند نظرات خود را بدون هیچ گونه محدودیتی درباره مناقشات اعلام کنند. براساس متن تأسیسی شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا، این گروه، از عقلا و حکمایی تشکیل شده است که در آفریقا بسیار قابل

احترامند و برای برقراری صلح، امنیت و توسعه آفریقا تلاش زیادی کرده‌اند. هر کدام از این پنج شخصیت که منطقه خاصی از قاره آفریقا را نمایندگی خواهد کرد، افراد زیر هستند: خانم بریگالیا بام، رئیس کمیسیون انتخابات مستقل آفریقای جنوبی و الیزابت پوگونون، رئیس دادگاه قانون اساسی بنین، دو زن عضو این گروه هستند که به ترتیب جنوب آفریقا و غرب آفریقا را نمایندگی می‌کنند. سلیم احمد سلیم تانزانیایی، دبیرکل سابق اتحادیه آفریقا و نماینده ویژه کنونی اتحادیه آفریقا به دارفور، شرق آفریقا و میگل ترووادا، رئیس جمهور سابق سائوتومه و پرنسیپ نیز مرکز آفریقا را نمایندگی خواهند کرد و احمد بن بلا رئیس جمهور سابق الجزایر نیز شمال آفریقا را نمایندگی خواهد کرد.<sup>(۲۶)</sup>

درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در آفریقا به ویژه شرق و مرکز این قاره که دارفور، اوگاندا، چاد و جمهوری آفریقای مرکزی را دربرمی‌گیرد، موجبات نگرانی مقامات اتحادیه آفریقا و سازمان ملل را فراهم کرده است. با توجه به این که درگیری‌های دارفور در غرب سودان و سومالی در شاخ آفریقا، در واقع درگیری بین قبایل عرب مسلمان و قومیت‌های سیاه آفریقایی مسیحی و غیرمسلمان است و نظر به این که کشورهای زیر صحرا همگی دارای چنین بافت جمعیتی هستند؛ یعنی هم دارای جمعیت عرب مسلمان و قومیت‌های غیرعرب و غیرمسلمان هستند، بیم آن می‌رود که بحران از کشوری به کشور دیگر از شرق آفریقا (سودان) تا غرب آن (موریتانی) یکی پس از دیگری پیش می‌رود. همچنین اکنون نمونه گسترش نیافته آن را در سومالی، دارفور، چاد، آفریقای مرکزی و اوگاندا می‌بینیم. بحران دارفور نیز که در نتیجه درگیری بین شورشیان و نیروهای دولتی سودان در اوایل سال ۲۰۰۳ درگرفت، از همان ابتدا جنگی بدون مرز بود و همه کشورهای منطقه

را به نوعی درگیر خود کرده است. ساکنان آفریقایی تبار دارفور در سال ۲۰۰۳ پس از متهم کردن دولت مرکزی سودان به تبعیض علیه آنها دست به شورش مسلحانه زدند. در نتیجه این قیام سه ساله تاکنون، بیش از ۳۰۰ هزار نفر کشته و بیش از ۲ میلیون نفر آواره شده‌اند.

طبق تخمین نشریه «عرب اوایل اندگس» تا پایان سال ۲۰۰۳، میزان ذخایر نفتی کشورهای آفریقایی معادل ۱۰۱/۸ میلیارد بشکه و میزان تولید این کشورها تا پایان همین سال، روزانه افزون بر ۸/۴۰۱ میلیون بشکه برآورد شده است. براساس نوشته مجله اشپیگل چاپ آلمان، در ۲۴ مارس ۲۰۰۴، کارشناسان نفتی، نفت موجود در زیر آب‌های ساحل غربی آفریقا را حدود ۱۰۵ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند. کارشناسان همچنین ذخایر گازی آفریقا را ۷ درصد ذخایر جهان یعنی حدود ۱۱ از ۱۵۰ تریلیون متر مکعب تخمین زده‌اند. کارشناسان توسعه برای کشورهای نفتی آفریقا ارزیابی‌های مثبت‌تری دارند. ژان ماری شووالیه، کارشناس فرانسوی، گفت که شاخص‌های توسعه برای کشورهای تولیدکننده نفت، بهتر از شاخص‌های آن در کشورهای واردکننده در آفریقا نیست که ۱۱ درصد تولید و ۴ درصد ذخایر جهانی را در دست دارند. در آفریقای زیر صحرای برخی کشورها همچون گابون، نیجریه، کنگو و کامرون، مدت‌هاست که نفت خام صادر می‌کنند. سال‌هاست کشورهای دیگر مثل چاد، گینه استوایی، سودان، سائوتومه و پرنسیپ و در پایان موریتانی به بازار نفت پیوسته‌اند. نیجریه در صدر قرار دارد. این کشور، با ۲/۵ میلیون بشکه در روز بزرگ‌ترین کشور صادرکننده نفت در آفریقا است، ولی توسعه انسانی در این کشور وضعیت خوبی ندارد. فیلیپ سیبل لویز، مؤسسه فرانسوی امور ژئوپلیتیک،

گفت که نفت در توسعه نیجریه مؤثر نبوده است. نیجریه، پرجمعیت‌ترین کشور آفریقایی با ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت است که ۷۰ درصد آنها فقیر هستند و روزانه کمتر از یک دلار درآمد دارند.<sup>(۳۷)</sup>

با وجود فقر، توسعه نیافتگی، خشکسالی و بیماری‌های ایدز نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که آفریقا خوش‌بین‌ترین منطقه در جهان در سال ۲۰۰۶ است؛ به طوری که مسائل اقتصادی و سیاسی این منطقه نسبت به سال‌های قبل بهتر خواهد شد. ۵۷ درصد از آفریقایی‌هایی که مؤسسه نظرسنجی گالوپ از آنها سؤال کرد، گفتند که سال ۲۰۰۶ بهتر از سال ۲۰۰۵ بود. این نظرسنجی که شامل ۵۲ هزار نفر در سطح جهان بود، نشان می‌دهد که آفریقا از نظر اقتصادی وضع بهتری خواهد داشت و ۵۲ درصد از آنها گفتند که بدهی‌های آفریقا کمتر خواهد شد. رابرت بونای، کارشناس اقتصاد و متخصص امور آفریقا، در استاندارد بنک گفت، به نظر من مدیریت در این قاره و فرصت‌های شرایط زندگی نسبت به گذشته بهتر شده است. رشد اقتصادی در آفریقا، فقیرترین قاره جهان، در حال افزایش است. برای مثال، آفریقای جنوبی کشور غیرنفتی در سال جاری ۲۰۰۶ به میزان ۵ درصد رشد اقتصادی داشت که در بیش از ۲۰ سال گذشته بالاترین رقم است.<sup>(۳۸)</sup>

### عوامل شکل‌گیری روابط چین با آفریقا

اجلاس سران چین و آفریقا، سوم و چهارم نوامبر ۲۰۰۶ در پکن برگزار شد و بعد از چند روز مذاکرات امیدوارکننده برای آفریقایی‌ها، فیل‌های آفریقایی با آهنگ چینی رقصیدند، ولی هنوز غبار سؤال‌های بزرگی بر فضای روابط بین‌الملل پراکنده است.

مقامات چین و آفریقایی ۱۶ موافقت نامه تجاری و اقتصادی به ارزش کلی، تقریباً ۲ میلیارد دلار امضا کردند. هو جیتائو، رئیس جمهور چین گفت، چین کمک‌های خود به آفریقا را در قالب وام افزایش می‌دهد و وام‌های ترجیحی به ارزش ۳ میلیارد دلار و ۲ میلیارد دلار به صورت اعتبار در اختیار آفریقا قرار خواهد داد. سران کشورهای آفریقایی و چین در پایان اجلاس خود در پکن در بیانیه‌ای از کشورهای ثروتمند جهان خواستند به تعهدات خود در خصوص گشودن بازارهای خود به روی تولیدات کشورهای فقیر و بخشودگی بدهی این کشورها عمل کنند. در این بیانیه که به تصویب سران ۴۸ کشور آفریقایی و چین رسیده، آمده است: «ما کشورهای توسعه‌یافته را ترغیب می‌کنیم، کمک‌های خود را به امور توسعه (در آفریقا) افزایش دهند و به وعده‌های خود در مورد گشایش بازارهای خود و بخشودگی بدهی کشورهای فقیر عمل کنند.»

در این بیانیه همچنین از کشورهای ثروتمند خواسته شده است تا کمک‌های مالی خود را به کشورهای آفریقایی افزایش دهند تا این کشورها بتوانند بهتر با فقر مبارزه کنند، خسارات ناشی از بلایای طبیعی را کاهش دهند و از بیابان‌زایی جلوگیری کنند. در این بیانیه همچنین به تفاهم متقابل، ارتباطات فرهنگی میان آفریقا و چین و همکاری‌های اقتصادی که سود دو طرف را تضمین کند، اشاره شده است.

در این بیانیه آمده است، جهان امروز شاهد تحولات عمیق و پیچیده‌ای است و ادامه

تلاش‌ها برای دستیابی به صلح و توسعه و همکاری امری ضروری است. (۳۹)



هجوم چین به آفریقا برای چین به عنوان یک دولتو کشورهای آفریقایی به عنوان نظام‌های مختلف می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. در زیر به برخی علل اصلی اشاره می‌شود:

#### الف. متغیر نفت

نفت آفریقا، یکی از عوامل اصلی توجه چین به آفریقا است. اقتصاد چین، سریع‌ترین اقتصاد جهان از نظر رشد است و بیش از اقتصادهای دیگر به سوخت فسیلی وابسته است. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ حجم اقتصاد چین چهار برابر شده است. اقتصاد چین در سه دهه گذشته، میانگین رشد ۹ درصدی داشته است. امنیت انرژی، یکی از اولویت‌های اساسی در طرح پنج ساله یازدهم (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰) است. ایجاد ذخایر استراتژیک تا ظرفیت ۱۵ میلیون تن از سال ۲۰۱۰، یکی دیگر از برنامه‌های چین است.<sup>(۳۰)</sup> چین برای تأمین امنیت انرژی خود در سال‌های گذشته به منابع خارجی از جمله کشورهای خاورمیانه، روسیه، کشورهای آسیای مرکزی، کشورهای آفریقایی و برخی کشورهای آمریکای لاتین روی آورده است.

چین در سال ۲۰۰۶، ۴۷ درصد از نفت مورد نیاز خود را از خارج وارد کرد که این رقم در مقایسه با میزان واردات نفتی این کشور در سال قبل آن حدود ۴/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود روند رشد اقتصاد چین نیز که سال گذشته حدود ۱۰/۷ دهم درصد برآورد شده، در سال‌های آینده همچنان ادامه داشته باشد. کارشناسان، علت

افزایش تقاضای نفتی چین را نیاز بیشتر به سوخت خودرو و نیز تلاش‌های اخیر دولت در جهت پر کردن ذخایر استراتژیک نفتی کشور اعلام کرده‌اند. قیمت‌های بالای نفت، شرکت‌های چینی را مجبور کرده است، برای خرید نفت در سال گذشته، ۱۵/۲ میلیارد دلار اضافی هزینه کنند. براساس این آمارها، چین در سال گذشته، ۱۴۵/۱۸ میلیون تن نفت خام وارد کرده است که سالانه رشدی بالغ بر بیش از ۱۴ درصد را نشان می‌دهد.

چین بعد از آمریکا و ژاپن، سومین کشور بزرگ وارد کننده نفت است. اداره گمرک چین اعلام کرد که چین در سال ۲۰۰۶، ۳۶/۳۸ میلیون تن نفت پالایش شده وارد کرد که ۱۵/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت، براساس یکی از مطالعات مراکز تحقیقات زیست محیطی، اگر چین به رشد اقتصادی با نرخ بالای ۸ درصدی ادامه دهد تا سال ۲۰۳۰، به ۹۹ میلیون بشکه نفت در روز نیاز خواهد داشت.<sup>(۳۱)</sup>

#### ب. رشد سریع اقتصادی

چین در سه دهه گذشته، میانگین رشد اقتصادی ۹ درصدی داشته است. ذخایر ارزی چین در دسامبر سال گذشته از مرز یک تریلیون دلار گذشت و به این ترتیب، مقام اول جهان را از جهت ذخایر ارزی به دست آورد. این مقام قبلاً در دست ژاپن بود. رشد و تحول اقتصادی و سیاسی پرشتاب چین، به این کشور فرصت بزرگ‌تر و بهتری برای جست‌وجوی منابع مناسب و ثابت برای عرضه انرژی و مواد خام داده است. در این میان، وضع آفریقا برای این امر سازگاری دارد. کشورهای آفریقایی که از ناتوانی در بهره‌برداری

و استفاده از منابع انرژی رنج می‌برند، زمینه را برای رقابت قدرت‌های بزرگ برای ایجاد مناطق نفوذ در این قاره فراهم ساخته‌اند.

در این میان، شرکت‌های چند ملیتی در زمینه‌های کاری مختلف از جمله نفت و گاز، ساخت و ساز، مخابرات و تأسیسات زیربنایی رقابت تنگاتنگی برای تصاحب سهم بیشتر از این بازار دارند. نفوذ شرکت‌های چینی که از حمایت دولت خود برخوردارند، در کشورهای آنگولا، سودان و نیجریه مبین این امر است. از ۸۰۰ شرکت چینی ۱۰۰ شرکت در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آنگولا بعد از عربستان سعودی، دومین کشور صادرکننده نفت به چین است.

### ج. آفریقا، برگ بازی چین

انزوای چین در دهه‌های گذشته به ویژه در زمینه فرهنگی، باعث شد چین به فکر جای پای در جهان خارج باشد. در این میان، آفریقا به عنوان گمشده چین توصیف شد. نفوذ چین در آفریقا فقط در بُعد اقتصادی خلاصه نمی‌شود. چینی‌ها به تأثیر گسترش زبان و فرهنگ چینی در این قاره نیز پی برده‌اند. چینی‌ها برای ترویج فرهنگ خود در آفریقا، اقدام به فراهم کردن زمینه تدریس زبان چینی در برخی دانشگاه‌ها کردند و به دانشجویان آفریقایی دوره‌های تحصیلی دادند. برای مثال، تاکنون ۵۰۰ دانشجوی زامبیایی بعد از تحصیل در دانشگاه‌های چین به کشورشان بازگشته و در اداره‌های دولتی کشور خود سمت‌هایی گرفته‌اند.

تلاش چین به عنوان یک قدرت جهانی برای نفوذ در آفریقا برای کاستن فشارهای آمریکا در برخی موارد اختلاف‌زا مثل تایوان، پیشینه حقوق بشر در چین و اختلافات تجاری قابل ارزیابی است. بعد از جنگ سرد و ظهور هژمونی آمریکا در سیاست بین‌الملل و در نهایت حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که به رویکرد یک جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا منجر شد، چین، آفریقا را حیات خلوت جدیدی برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود یافت. برای مثال، برخلاف فشارهای جامعه بین‌المللی و آمریکا بر سودان به خاطر بحران دارفور، چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد از اعمال فشار بر این کشور که سومین شریک بزرگ تجاری چین در آفریقا است، خودداری می‌کند.

#### د. منافع متقابل

مقامات چینی و کشورهای آفریقایی با دفاع از حسن روابط دو طرف، معتقدند که این روابط براساس منافع متقابل و اصل برابری استوار است؛ این در حالی است که برخی منابع غربی، چین را به استعمار نو در آفریقا متهم می‌کنند. کشورهای آفریقایی بارها در محافل بین‌المللی از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در موضوع اتهام غرب به چین در نقض حقوق بشر از چین حمایت کرده است. در مسأله تایوان، کشورهای آفریقایی مانع عضویت تایوان در سازمان ملل متحد شده‌اند و تایوان را بخشی از سرزمین مادر یعنی چین می‌دانند. فقط ۲۷ کشور در جهان، تایوان را شناسایی کرده‌اند که ۶ کشور آفریقایی هستند.

کشورهای آفریقایی همچنین در میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن، به چین رأی دادند. چین همچنین در سال ۲۰۱۰ میزبان نمایشگاه جهانی اکسپو است و در این رأی‌گیری از حمایت کشورهای آفریقایی بهره برد.

کشورهای آفریقایی که از کمک کشورهای غربی به ویژه فرانسه برای توسعه ناامید شده‌اند، از الگوی چینی استقبال کرده‌اند. ۴۴۰ نوع کالای آفریقایی از عوارض گمرکی چین معاف هستند. چینی‌ها از الماس آفریقایی جنوبی، کنجد اتیوپی، قهوه اوگاندا، چوب گابن، توتون زیمبابوه و سنگ مرمر مصر خوششان می‌آید.

چین، بدهی ۳۱ کشور آفریقایی بالغ بر ۲۸/۱ میلیارد دلار را بخشیده است. منافع دیگری که برخی کشورهای آفریقایی از روابط با چین بهره‌مند می‌شوند، در رابطه با مسأله حقوق بشر است. برخی کشورهای غربی کمک به کشورهای آفریقایی را منوط به بهبود پیشینه حقوق بشر و زمامداری خوب دانسته‌اند، ولی چین به این شرط اهمیت زیادی قائل نیست. از سوی دیگر، برخی کشورهای آفریقایی که به دنبال توسعه اقتصادی هستند، الگوی اقتصادی چین را بر فشارها و توصیه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای اصلاحات اقتصادی ترجیح می‌دهند.

در این رابطه می‌تواند به فشارهای غرب بر حکومت رابرت موگابه، رئیس‌جمهور زیمبابوه، اشاره کرد. در سال ۲۰۰۴ به رغم تحریم تسلیحاتی آمریکا و اروپا بر زیمبابوه، چین جنگنده و خودروهای نظامی به این کشور فروخت. چین همچنین از سوی کشورهای غربی به فروش تجهیزات نظامی به سودان، لیبیا، ساحل عاج و سیرالئون برای سرکوب مخالفان متهم شده است. هو جینتاو، رئیس‌جمهور چین، در حرکتی که اهمیت آفریقا

برای پکن را به نمایش می‌گذارد، از ۳۰ ژانویه تا ۱۰ فوریه گذشته از ۸ کشور کامرون، لیبیا، سودان، زامبیا، نامیبیا، آفریقای جنوبی، موزامبیک و سیشل دیدار کرد. سفر وی به سودان با اعتراضات آمریکا روبه رو شد.

### واکنش‌های غربی و آفریقایی به نفوذ چین در آفریقا

نفوذ روز افزون چین در آفریقا باعث واکنش‌های مختلف غربی‌ها شده چرا که قرن‌ها آفریقا حوزه نفوذ آنها بوده است. بیشتر کشورها و سازمان‌های غربی در مورد حضور سیاسی و اقتصادی چین در کشورهای آفریقایی با نگرانی واکنش داده‌اند، لوی برخی واکنش‌های مثبت نیز در آن دیده می‌شود. واکنش آمریکا و فرانسه، سیاسی به ظنر می‌رسد. واکنش طرف‌های آفریقایی عمدتاً مثبت بوده است. برخی واکنش‌های مختلف به شرح زیر است.<sup>(۲۲)</sup>

۱. پل وولفویتز، رئیس بانک جهانی...، چین منبع بزرگ سرمایه‌گذاری است و می‌تواند کمک‌کننده مالی بزرگی برای آفریقا جهت توسعه کشورهای آن باشد؛ این در حالی است که وی یک ماه قبل از آن، بانک‌های بزرگ چینی را به رعایت نکردن اصول اخلاقی در وام دادن به کشورهای در حال توسعه متهم کرده بود.

۲. فیلیپ مایشتات، رئیس بانک سرمایه‌گذاری اروپا...، سرمایه‌گذاری چین در آفریقا برای این قاره مفید است.

۱. اندرو ناتسیوس، فرستاده ویژه آمریکا به سودان...، وی از چین خواست در صورتی که سودان همچنان در مورد پرونده دارفور از خود سرسختی نشان دهد، این کشور اقدامات

جدی‌تری از خود نشان دهد. ناتسیوس گفت، اهمیت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی چین در سودان باعث شده است که این کشور نفوذ قابل توجهی بر سودان داشته باشد و ما آشکارا به دولت چین تفهیم کرده‌ایم که جامعه جهانی از دولت این کشور انتظار دارد در فرآیند جست‌وجوی راه حلی نهایی برای بحران دارفور مشارکت داشته باشد.

۲. انگلا مرکل، صدراعظم آلمان... وی اواخر فوریه در کنفرانس امنیتی مونیخ از چین خواست تا بیش از این، خود را با اتحادیه اروپا درباره سیاست سرمایه‌گذاری و توسعه در آفریقا هماهنگ کند. صدراعظم آلمان خاطر نشان کرد که در آفریقا ما باید با چین تصمیم‌گیری کنیم که چه کارهایی لازم است در این قاره که همسایه اروپاست، انجام شود. صدراعظم آلمان که کشورش رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپاست، اعلام کرد ما باید چین را به ایفای مسؤولیت‌های سیاسی خود تشویق کنیم.

۳. سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه... هیچ رقابت سیاسی بین فرانسه و چین در آفریقا وجود ندارد، ولی بهتر است چین از نفوذ سیاسی خود در آفریقا مثل سودان برای حل و فصل بحران‌ها استفاده کند و در مسأله دارفور بر سودان فشار آورد.

۴. سازمان غیردولتی انگلیسی اکسفام... این سازمان فوریه گذشته اعلام کرد که وزرای دارایی ۷ کشور بزرگ صنعتی موسوم به «گروه ۷» در نشست خود در اسن آلمان نسبت به وعده‌هایی که در سال ۲۰۰۵ در نشست خود در «گلن ایگلز» درباره کمک بیشتر به کشورهای آفریقایی دادند، بی توجه و بی اعتنا هستند. سازمان غیردولتی اکسفام در بیانیه‌ای که در این باره منتشر شد، ضمن متهم کردن کشورهای صنعتی و ثروتمند به بی‌اعتنایی به تعهدات پیشین خود درباره کمک بیشتر به کشورهای فقیر به ویژه

کشورهای آفریقایی، تأکید کرد که وزرای دارای کشورهای «گروه ۷» همچنان درباره وعده‌هایی که در سال ۲۰۰۵ داده‌اند، تجدیدنظر می‌کنند و این مسأله حکایت از بی‌تعهدی آنها دارد. ۸ کشور بزرگ صنعتی و ثروتمند جهان «گروه ۸» در نشستی در تابستان سال ۲۰۰۵ تصمیم گرفته بودند، بدهی‌های عمومی چندجانبه ۳۵ کشور بسیار فقیر جهان را لغو کنند. این کشورها همچنین وعده دادند تا سال ۲۰۱۰ کمک‌های اقتصادی و مالی خود را به کشورهای محروم و فقیر جهان به ویژه در قاره آفریقا، ۵۰ میلیارد دلار افزایش دهند.

۵. عمر البشیر، رئیس جمهور سودان...، عمر البشیر معتقد است چین به رغم داشتن روابط با کشورهای آفریقایی هرگز در امور داخلی این کشورها دخالت نکرده است، به همین علت تمام کشورهای قاره سیاه تلاش می‌کنند روابط و مناسبات خود را با این قدرت بزرگ اقتصادی آسیا تقویت کنند.

۶. رهبر کنفدراسیون اتحادیه صنفی آفریقای جنوبی...، زولینزما واوی، رئیس کوساتو از منتقدان نوع روابط چین با آفریقا است. و معتقد است چین در امور داخلی کشورهای آفریقایی مداخله می‌کند.

۷. اراستوس مونتشا، دبیرکل کومسا...، دبیرکل سازمان همکاری شرق و جنوب آفریقا همکاری بین کومسا و چین را ستود. مونتشا گفت، همکاری با چین چیز جدیدی نیست، بلکه روابطی تاریخی است.

۸. یوسف علی، وزیر امور خارجه جیبوتی...، وی بر استفاده از تجربه چین برای توسعه کشورهای آفریقایی تأکید کرد.



۹. علی الصادق، سخنگوی وزارت امور خارجه سودان...، وی از رویکرد آمریکا و فرستاده این کشور در درخواست از شرکای تجاری و اقتصادی و همچنین دوستان سودان برای کمک به حل بحران در دارفور به شدت ابراز تعجب کرده است.
۱۰. الین جانسون سیرلیف، رئیس جمهور لیبریا...، وی بر ضرورت تقویت روابط و مشارکت راهبردی کشورش با چین تأکید کرد. رئیس جمهور لیبریا با اشاره به جنگ داخلی ۱۴ ساله و بیش از ۲۰ سال بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی در این کشور افزود، کشور ما خواستار حمایت و کمک چین نیست، بلکه ما خواستار یک مشارکت و همکاری راهبردی دوجانبه بر پایه منافع دوجانبه با چین هستیم.
۱۱. تابو امبکی، رئیس جمهور آفریقای جنوبی...، آفریقای جنوبی و چین روابط دوستانه پایداری با هم دارند و دو کشور بر عزم و اراده مستحکم خود برای تقویت همکاری استراتژیکی و راهبردی دو جانبه تأکید کردند. وی افزود، چین یکی از قطب‌های بزرگ اقتصادی جهان و اکنون یکی از مهم‌ترین شرکای سیاسی و اقتصادی آفریقای جنوبی است و گفت‌وگو و همکاری با چین، یکی از اولویت‌های برنامه‌های آفریقای جنوبی در مقابله با موانع و چالش‌های مختلف منطقه است.
۱۲. عزیز په‌اد، معاون وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی...، حضور بیشتر چین در این قاهره فرصتی برای مشارکت ارزشمند در توسعه و رشد آفریقا است.
۱۳. سومانا ساکو، مسؤول بلند پایه آفریقایی از زیمبابوه...، تجربه چین در اصلاحات اقتصادی از جمله اصلاحات بازار که با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی صورت می‌گیرد، می‌تواند برای کشورهای آفریقایی که با چالش‌های اقتصادی مواجه هستند، مفید باشد.

۱۴. سفیر سودان در چین...، برخی ادعاها درباره این که همکاری چین با آفریقا یادآور استعمار نو در آفریقا است، گفت این ادعاها بی‌اساس است. چین در کنار کشورهای آفریقاست و همکاری دو طرف براساس تمایل مشترک برای منافع متقابل است.

۱۵. لیونی پاتریک مواناواسا، رئیس جمهور نامیبیا...، چین و نامیبیا همکاری دوستانه دارند.

۱۶. جیمز میشل، رئیس جمهور سیشل...، سفر اواخر فوریه هو جیتائو، رئیس جمهور چین، به کشورش را تاریخی توصیف کرد و گفت، سیشل در توسعه اجتماعی و اقتصادی از چین درس می‌گیرد.

۱۷. هویدا عبدالعزیز، استاد اقتصاد در مؤسسه مطالعات آفریقا در قاهره...، مصر از نقش بزرگ چین در آفریقا بهره می‌برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### جایگاه جمهوری اسلامی ایران در آفریقا

#### الف. الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری بین‌المللی در بین‌المللی‌ترین مناطق از نظام بین‌الملل یعنی خاورمیانه، هم بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار است و هم از تحولات بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در رتبه بالای تعامل مشاهده می‌شود. ژئوپلیتیک و انرژی، دو متغیر واسطه‌ای مؤثر بر روابط و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با واحدهای سیاسی مختلف در نظام بین‌الملل است. البته نباید عوامل

دیگری همچون جایگاه تاریخی ایران و نیروی انسانی جوان و با استعداد را نادیده گرفت. مجموعه شرایط و زمینه‌های مختلف تأثیرگذار خارج از مرزهای ملی بر سیاست خارجی کشورمان را می‌توان به عوامل زیر تقسیم کرد: ۱. تأثیر بلوک بندی‌ها بر سیاست خارجی؛ ۲. تأثیر وضعیت اقتصادی بر سیاست خارجی؛ ۳. تأثیر وضعیت ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی؛ ۴. تأثیر تبلیغات و افکار عمومی بر سیاست خارجی.<sup>(۳۳)</sup>

با توجه به ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی قاره آفریقا و کشورهای آفریقایی، به ویژه این که کشورهای آفریقایی در مرحله گذار به ویژه در بُعد اقتصادی به سر می‌برند در این جا دو عامل وضعیت اقتصادی و ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل تأمل است. در مورد عامل اول باید گفت، میزان منابع و ذخایر انرژی هر کشور از جمله عواملی است که موجب تقویت و یا تضعیف سیاست خارجی هر کشور می‌شود. این سرمایه‌ها همچنین سطح رشد و توسعه اقتصادی یک کشور را تعیین و تأثیر عمده‌ای بر تعیین نوع روابط خارجی دارد. ایران به عنوان کشوری در حال توسعه با داشتن منابع عظیم نفت و گاز، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مورد توجه قدرت‌های بزرگ اقتصادی است. ایران در کنار دو ذخایر زیرزمینی، دارای دو سرمایه کم نظیر دیگر؛ نیروی انسانی جوان و مستعد که پشتوانه بزرگی برای پیشرفت کشور است و همچنین پیشرفت علمی و دستاوردهایی که در ابعاد مختلف علمی در علوم پزشکی، کشاورزی و در نهایت انرژی هسته‌ای به روز و ظهور کرده است و از دیگر پشتوانه‌های بسیار مهم کشور است. در بحث عامل ژئوپلیتیک ایران به خاطر موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود چه از لحاظ مسیر مناسب میان آب‌های آزاد و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و چه از لحاظ واقع

شدن در منطقه حساس و سرشار از انرژی، همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورهای مختلف داشته است.

### ب. وضعیت فعلی روابط ایران با کشورهای آفریقایی

ایران روابط اقتصادی و فرهنگی دیرینه‌ای با آفریقا دارد. سابقه روابط ایران و آفریقا به دوران باستان و به زمان هخامنشیان برمی‌گردد. در دوره ساسانیان نیز ایرانیان قدرت برتر شرق آفریقا بودند و در دوره اسلامی بعد از گسترش اسلام به سوی شرق و غرب، مردم ایران و مصر نیز به اسلام گرویدند. بعد از این، روند مهاجرت ایرانیان به مصر و شبه جزیره عربستان آغاز شد. دوران حاکمیت فاطمیان در مصر اوج شکوفایی روابط فرهنگی ایران و مصر بود. مهاجرت ایرانیان مسلمان به شرق آفریقا به ویژه زنگبار، یکی از مقاطع مهم حضور ایرانیان در این قاره است که هنوز آثار آن دیده می‌شود. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به علت ضعف نیروی دریایی، ایران در این قاره حضور چشمگیری نداشت.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، قطع روابط با مصر به علت امضای قرارداد ننگین صلح با رژیم صهیونیستی، قطع روابط با جمهوری آفریقایی جنوبی به خاطر سیاست آپارتاید، دو رویداد مهم بود. روابط دو کشور بعد از فروپاشی نظام جدایی نژادی در آفریقایی جنوبی و به قدرت رسیدن نلسون ماندلا دوباره برقرار شد. سرکوب اسلام‌گرایان در الجزایر باعث

کاهش سطح روابط ایران با این کشور شد. روابط ایران و مصر هر چند پیشرفت‌هایی به ویژه در بُعد اقتصادی داشته، ولی به سطح بازگشایی سفارت خانه نرسیده است. اکنون جمهوری اسلامی ایران با کشورهای بزرگ و مؤثر آفریقایی چون نیجریه و سودان روابط نزدیکی دارد، ولی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی با توجه به ظرفیت‌های دو طرف به حد مطلوب نرسیده است. محمدرضا رضائی، دبیرکل اتاق بازرگانی همکاری ایران، گفت در سال جاری فقط ۴ درصد صادرات غیرنفتی ایران به قاره آفریقا صادر شده است. وی صادرات کالاهای غیرنفتی به این قاره را ناچیز برشمرد و ارزش صادرات کالاهای ایران به کشورهای آفریقایی در ۶ ماه اخیر را ۱۴۴ میلیون دلار برآورد کرد. به گفته وی، اتاق همکاری ایران تلاش می‌کند در کشورهای آفریقایی به ویژه ساحل عاج، موزامبیک، مصر، اتیوپی، آفریقای جنوبی، سنگال، الجزایر، تانزانیای، غنا، تونس، نیجریه و ماداگاسکار نمایشگاه‌هایی برپا کند. (۳۴)

در تازه‌ترین و مؤثرترین تحول در روابط دوجانبه، محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، هفتم تیرماه گذشته از کشورهای سنگال و گامبیا دیدن کرد و در هفتمین اجلاس سران آفریقا در بانجول گامبیا (عضو ناظر) شرکت و سخنرانی کرد. این سفر مرحله جدیدی در روابط ایران با کشورهای آفریقایی بود و زمینه را برای توسعه روابط سیاسی اقتصادی و فرهنگی با کشورهای آفریقایی فراهم خواهد کرد. وی با رؤسای جمهوری ۱۸ کشور شرکت‌کننده در اجلاس اتحادیه آفریقا از جمله الجزایر، لیبی، ساحل عاج، جیبوتی، تانزانیای و چاد دیدار کرد. علاوه بر آن، نخست وزیر اتیوپی و وزیر امور خارجه مصر نیز با آقای احمدی‌نژاد دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدارها روابط دوجانبه بررسی

و کشورهای آفریقایی از حقوق جمهوری اسلامی ایران در پیگیری برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای دفاع کردند. رئیس جمهوری حضور در اجلاس اتحادیه آفریقا را فرصتی مناسب برای مرور مناسبات ایران و کشورهای این قاره و همچنین تحکیم و بررسی نقاط ضعف و قوت آن خواند و گفت، این اجلاس فرصتی برای رایزنی‌های مهم سخنرانی و اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران و متقابلاً شنیدن مواضع و نقطه نظرات کشورهای آفریقایی بود. رئیس جمهوری با بیان این که ما باید از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اعتقادی به سمت آفریقا برویم، گفت در سال‌های اخیر مناسبات ایران با کشورهای این قاره تا حدودی سست شد و نقش درجه دوم یافت ولی این سفر فرصتی بود تا مناسبات ما با آنها به سطوح بالای سیاست خارجی ارتقا یابد.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۵ در اجلاس‌های مختلف سازمان وحدت آفریقا شرکت کرد و بعد از تشکیل اتحادیه آفریقا به تماس‌های خود ادامه داد. ایران همچنین در راستای تداوم اهداف خود برای توسعه روابط با کشورهای آفریقایی و اتحادیه آفریقا در سال ۱۳۸۴ اقدام به معرفی سفیر اکرو دیته نزد کمیسیون اتحادیه آفریقا در اتیوپی کرد. منوچهر متکی، وزیر امور خارجه کشورمان، که همراه احمدی‌نژاد به گامبیا سفر کرده بود، با عمر کناره، رئیس اتحادیه آفریقا، دیدار و درباره روابط دوجانبه گفت‌وگو کرد. کناره گفت، ایران کشوری است که برای گسترش روابط با آفریقا نیازی به واسطه ندارد. وی از تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای حل اختلاف برخی کشورهای آفریقایی قدردانی کرد.<sup>(۳۵)</sup>

یکی از متغیرهایی که حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای شرقی مثل ایران را در آفریقا تسهیل می‌کند، سابقه ممتاز روابط دوجانبه و عدم تعارض در اهداف و منافع دو

طرف و در نهایت وجود زمینه‌های مشترک همکاری است. یحیی جامه، رئیس جمهور گامبیا، در دیدار با احمدی‌نژاد گفت، در حالی که بیش از ۹۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز کشورهای صنعتی و غربی از قاره‌های آفریقا و آسیا تأمین می‌شود، آنان در رسانه‌های خود، آفریقا را فقیرترین و پس از آن آسیا را قاره فقیر معرفی می‌کنند و این به دلیل آن است که همه منابع آنان را استعمار به یغما می‌برد. رئیس جمهور گامبیا درباره مفاد موافقتنامه‌های امضا شده با جمهوری اسلامی ایران گفت، اصول همکاری با یکدیگر در دفاع از منافع آسیا و آفریقا است. وی کمک مسلمانان به یکدیگر را جزو اصول اساسی اسلام دانست و گفت، امضای موافقتنامه‌هایی از این نوع در قالب این تفکر شکل گرفته است.

#### د. ارائه راهکارها برای توسعه روابط ایران با کشورهای آفریقایی

با توجه به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تحکیم روابط با کشورهای اسلامی و در حال توسعه، گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل تحقق است. در زمینه سیاسی می‌توان به ظرفیت‌های کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی از جمله مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد اشاره کرد. حمایت کشورهای آفریقایی مثل آفریقای جنوبی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از حقوق هسته‌ای کشورمان، نتیجه سیاست‌های بر حق و مواضع عدالت خواهانه ایران در روابط بین‌الملل است.

در بررسی همکاری‌های سیاسی بین ایران و آفریقا می‌توان به ظرفیت‌های ایران برای حل و فصل منازعات سیاسی در آفریقا اشاره کرد. براساس بیانیه‌ای که پس از نشست سه جانبه بین مقامات چاد، سودان و ایران در تهران در هجدهم اسفند منتشر شد، چاد و سودان تحت نظارت تهران، توافقنامه‌ای برای حل و فصل بحران بین دو کشور امضا کردند. احمد علامی وزیر امور خارجه چاد، مصطفی اسماعیل مشاور رئیس جمهوری سودان و منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران در این نشست شرکت کردند. براساس این بیانیه‌ای رسمی، چاد و سودان تصمیم گرفتند که کمیسیون مشترکی را برای اجرای توافقنامه‌ها به منظور عادی سازی روابط بین دو کشور فعال کنند.<sup>(۳۶)</sup> ادريس دبی، رئیس جمهور چاد، که اوایل تیرماه با رئیس جمهور کشورمان در حاشیه اجلاس بانجول دیدار و خواستار گسترش روابط دوجانبه شده بود، شانزدهم اسفند در دیدار با حسین جابر انصاری، سفیر اکرودیته کشورمان در انجانما، خواستار کمک ایران برای حل بحران در این کشور شد.

به نظر می‌رسد که شمال آفریقا و منطقه شاخ آفریقا از اهمیت ویژه‌ای برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در شمال آفریقا وجود کشورهای مصر، الجزایر، لیبی، تونس و مغرب با توجه به جنبه‌های ژئوپلیتیک، کشورهای سومالی، جیبوتی، اریتره، اتیوپی و سودان از اهمیت استراتژیک برخوردارند. به نظر می‌رسد مناطق آفریقایی نزدیک به مرزهای ایران از جمله شاخ آفریقا و شمال آفریقا بیشتر از لحاظ اقتصادی و تجاری، از لحاظ سیاسی و امنیتی دارای اهمیت هستند. در هر دو منطقه، در دوره جنگ سرد و بعد از آن، ما شاید حضور و رقابت قدرت‌های بزرگ هستیم. با توجه به اهمیت



مناطق یاد شده برای هژمونی آمریکا و سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل در حوزه دریای سرخ، جمهوری اسلامی ایران باید با تدوین سیاست عقلایی و حساب شده، زمینه حضور هر چه بیشتر خود در این مناطق براساس منافع مشترک و متقابل فراهم سازد. شناخت بیشتر از دغدغه‌های کشورهای یاد شده و شناساندن ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای آفریقا، یقیناً نتیجه خوبی خواهد داد. همکاری ایران با سودان می‌تواند الگو قرار گیرد.

اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در غرب، شرق و جنوب آفریقا می‌تواند در قالب دیپلماسی اقتصادی تعریف شود. حضور مؤثر ایران در بازار کشورهای هدف برای افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی مثل صدور خودروی ساخت داخل سمند، حمایت از تجار و شرکت‌های ایرانی برای دسترسی آسان‌تر به بازارهای خارجی، ایجاد زمینه و فضا برای عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری و انرژی و نظایر آن، به کارگیری و توجه به بخش خصوصی، شناساندن توانایی‌ها و پیشرفت‌های اقتصادی ایران در سال‌های اخیر با برپایی نمایشگاه‌ها در چارچوب دیپلماسی اقتصادی در آفریقا قابل تأمل است. استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای، نخبگان فکری و نگرش استراتژیک به دیپلماسی عمومی می‌تواند به تحقق این امر کمک کند.

### نتیجه‌گیری

سال ۲۰۰۶ پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و کشورهای آفریقایی بود و چین در پنج سال اخیر به یکی از دوستان و شرکای نزدیک سیاسی و

اقتصادی آفریقا تبدیل شد. در سه سال گذشته، حدود ۸۰۰ دیدار بین مقامات چینی و آفریقایی صورت گرفته است. چین از ۵۳ کشور آفریقایی، با ۴۸ کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرده است. کشورهایی که در امر توسعه پیشرفت خوبی نداشته‌اند، امیدوارند از همکاری با چین به ویژه در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و فناوری استفاده کنند. در سال‌های اخیر، وضعیت آفریقا تقریباً ثابت بوده است. تولید ناخالص داخلی افزایش ثابت داشته است و سرمایه‌گذاری در سطح بین ۴ تا ۶ درصد افزایش داشته است. ارزش تجارت دوجانبه بین دو طرف در سال جاری به ۵۰ میلیارد دلار رسیده است که در پنج سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است.

در نیم قرن گذشته، چین به ۵۳ کشور آفریقایی کمک اقتصادی داده و بدهی‌های آفریقا بالغ بر ۱/۳۶ میلیارد دلار را از ۳۱ کشور لغو کرده است. دانشمندان روابط بین‌الملل پیش‌بینی کرده‌اند، قرن بیست و یکم را باید قرن چین و هند نامید. تا سال ۲۰۲۰ چین به بزرگ‌ترین اقتصاد و هند دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل خواهند شد. حتی گفته می‌شود تا سال ۲۰۵۰، چین از آمریکا پیشی گرفت و قدرت اول جهان خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

بسیاری از کارشناسان ارشد اقتصادی در سطح بین‌المللی معتقدند که این نزدیکی چین و آفریقا، مقدمه استعمار اقتصادی چین با هدف چپاول قاره سیاه است؛ قاره‌ای که سال‌ها خود از استعمار و قیومیت قدرت‌های استعماری چون فرانسه رنج برده است. برخی دیگر معتقدند چین به نفت آفریقا تشنه است که روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه یعنی معادل ۱۲ درصد تولید جهانی را در دست دارد. از اظهارات و مواضع مقامات چینی به

دست می‌آید که آنها برخلاف دهه ۶۰ و ۷۰ قرن گذشته که برای صدور ادبیات مارکسیسم به آفریقا آمده بودند، این بار برای همکاری و کمک به توسعه آمده‌اند.

چین فاقد سابقه استعماری در آفریقا است، اگرچه این امر می‌تواند برای چین یک امتیاز تلفی شود، ولی نبود آشنایی کافی با آفریقا هم می‌تواند در برخی موارد مشکل ایجاد کند؛ به ویژه وقتی بحث انتخاب بین چین و یکی از قدرت‌های استعماری سابق پیش آید. در هر حال، چین نمی‌خواهد منافع این کشور در آفریقا با منافع دیگر قدرت‌های بزرگ در تعارض قرار گیرد. آنچه چینی‌ها در دیدارها و نشست‌های خود برای آفریقایی‌ها تأکید می‌کنند، نیاز دو طرف به سرمایه‌گذاری خارجی است. این وجه مشترک چین و آفریقا است.

این ضروریات اقتصادی است که نوع رابطه کشورهای آفریقایی را با قدرت‌های بزرگ مشخص می‌کند. مطالعه تاریخ آفریقا نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، نقش اساسی را در شکل‌گیری سیاست خارجی آفریقا در قبال جهان و همچنین در شکل‌گیری سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در قبال آفریقا دارد. اهداف چین در آفریقا هر چه باشد، می‌توان به مواردی همچون دسترسی به منابع نفتی آفریقا، دسترسی به بازار بکر این قاره و مقابله با نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب اشاره کرد. انتظار می‌رود حمایت چین از سرکوب‌های سیاسی و اقتصادی در آفریقا با رویکرد لیبرالیستی آمریکا و شرکای اروپایی در آفریقا مواجه شود. منافع ملی آمریکا در آفریقا از این پس به مسائل آفریقا در چارچوب تشویق روندهای دموکراتیک، آزادسازی اقتصادی و احترام به حقوق بشر می‌پردازد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. اینوست ک. اوگبونایا «اقتصاد و سیاست خارجی آفریقا»، ترجمه هوشنگ راستی (فصلنامه مطالعات آفریقا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۷۵). ص ۱۰۳.
۲. کی. جی. هالستی. «مبانی تحلیل در سیاست بین‌الملل»، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری. (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی / سال ۱۳۷۶) ص ۲۶۹.
۳. بروس راست و هاروی استار «سیاست جهانی» محدودیت و فرصت‌های انتخاب، ترجمه علی امیدی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱) ص ۱۸۴.
4. [www.Siyssa.org.eg/index.asp.htm.DiD=8899](http://www.Siyssa.org.eg/index.asp.htm.DiD=8899).
۵. پایگاه اینترنتی فرانس پرس. ۲۰۰۷/۲/۲۸ ([www.Franspress.com](http://www.Franspress.com))
6. [www.elosboa.com.No.509](http://www.elosboa.com.No.509).
7. [www.al-Majalla.com/2007/1/9](http://www.al-Majalla.com/2007/1/9).
8. [www.Xinhua.com.2007/2/5](http://www.Xinhua.com.2007/2/5).
۹. پایگاه اینترنتی خبرگزاری شین هوا / ۲۰۰۷/۱/۲۵.
۱۰. همان.
۱۱. همان.
۱۲. خبرگزاری شین هوا. تلکس واحد مرکزی خبر، صدا و سیما ۲۰۰۷/۲/۱۲.
۱۳. همان.
14. [www.Xinhua.com\(Xinhua news agency\)2007/3/7](http://www.Xinhua.com(Xinhua news agency)2007/3/7).
15. [www.Xinhua.com.2007/3/2](http://www.Xinhua.com.2007/3/2).

16. [www.Xinhua.com](http://www.Xinhua.com).2007/1/4.

17. [Xinhua.com](http://Xinhua.com).2007/1/4.

18. [www.Franspress.com](http://www.Franspress.com)2006/2/18.

19. [www.al-Majalla.com](http://www.al-Majalla.com)2007/1/9.

20. [www.sudaneseonline.com/ar/printer-8818.shtm1](http://www.sudaneseonline.com/ar/printer-8818.shtm1).

۲۱. روزنامه الشرق الاوسط، چاپ لندن، ۲۰۰۷/۲/۸.

۲۲. همان.

۲۳. پایگاه اینترنتی خبرگزاری شین هوا چین. ۲۰۰۷/۱/۱۸.

24. [www.Franspress.com](http://www.Franspress.com).2007/2/12.

25. [www.Franspress.com](http://www.Franspress.com)2006/11/17.

۲۶. روزنامه الاهرام، چاپ مصر، ۲۰۰۷/۲/۲۳.

27. [www.chinadaily.com.cn](http://www.chinadaily.com.cn)/2006/8/16.

۲۸. تلکس خبرگزاری شین هوا چین، واحد مرکزی خبر، صدا و سیما. ۲۰۰۷/۱/۱۹.

29. [www.sudaneseonline.com](http://www.sudaneseonline.com).2006/11/10.

۳۰. خبرگزاری شین هوا به نقل از روزنامه شانگهای سیکوریتی نیوز، ۲۰۰۷/۲/۹.

۳۱. همان.

۳۲. روزنامه الاهرام، چاپ مصر، ۲۰۰۷/۲/۲۶.

۳۳. فصلنامه آفریقا، سال ۱۰، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، چشم‌انداز مناسبات چین و آفریقا در قرن

۲۱، (ایرج وفایی، سفارت ایران در آکرا)، ص ۲۲۶.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی